

استراتژی ملی کنترل مواد مخدر امریکا

(۲۰۰۳)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

استراتژی ملی کنترل مواد مخدر آمریکا

(کاخ سفید فوریه ۲۰۰۳)

ریاست جمهوری
ستاد مبارزه با مواد مخدر
پژوهشکده ملی مواد مخدر ایران



ریاست جمهوری
ستاد مبارزه با مواد مخدر

استراتژی ملی کنترل موادمخدر آمریکا (۲۰۰۳) • تهیه و تنظیم: پژوهشکده ملی
موادمخدر ایران با همکاری اداره کل روابط بین الملل ستاد • مدیر هنری و طرح
جلد: گروه هنری نگار • ناشر: دبیرخانه ستاد مبارزه با موادمخدر • نوبت چاپ: اول،
۱۳۸۲ • شمارگان: ۱۵۰۰ جلد

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۷	<u>پیشگفتار</u>
۹	<u>یادداشت رییس جمهور امریکا به کنگره ایالات متحده امریکا</u>
۱۱	مقدمه
۱۳	<u>یک استراتژی متوازن</u>
۱۵	<u>پیشرفت به سمت تحقق اهداف دو و پنج ساله</u>
۱۷	<u>دستور کار مدیریتی ریاست جمهوری : تلفیق بودجه و عملکرد</u>
۲۱	اولویت های ملی
۲۱	<u>نکات مهم در خصوص بودجه</u>
۲۵	فصل اول : قطع مصرف قبل از شروع
۲۵	<u>فعالیت های آموزشی و اجتماعی</u>
۳۱	<u>حمایت از برنامه تست مصرف موادمخدر از دانش آموزان</u>
۳۲	<u>کاهش سوء مصرف از طریق تست دانش آموزان</u>
۳۳	<u>نگاهی از میان غبار</u>
۳۳	<u>سوء مصرف ماری جوانا و اختلاف نظر در مورد اعتیاد به آن</u>
۳۵	<u>نکات مهم در خصوص بودجه</u>
۳۷	فصل دوم : درمان معتادان در امریکا
۳۷	<u>تامین درمان بر حسب ضرورت</u>
۳۸	<u>به کارگیری اصول بهداشت عمومی</u>
۴۱	<u>تغییر زندگی : استفاده از قدرت ایمان</u>
۴۲	<u>پایان بخشیدن به دوران ماه عسل</u>
۴۲	<u>دیدگاهی جدید درباره درمان کوتاه مدت</u>
۴۴	<u>رانندگی تحت تاثیر موادمخدر</u>
۴۷	<u>کاهش بازگشت به ارتکاب جرایم از طریق دادگاه های موادمخدر</u>
۴۷	<u>پیگیری وضعیت افراد در دادگاه موادمخدر</u>

۴۸	نکات مهم در خصوص بودجه
۵۱	فصل سوم: نابودی بازار
۵۱	هدف قراردادن ریشه اقتصادی تجارت موادمخدر
۵۲	نابود ساختن بازار داخلی
۵۳	یکپارچه ساختن اقدامات
۵۵	اقدامات جدید برای جلوگیری از درآمدهای غیرقانونی
۵۶	پنج بازار موادمخدر غیرقانونی
۵۷	متلاشی ساختن بازارهای خارجی
۵۹	اقدامات بازدارنده در کلمبیا
۶۳	مرزآندین
۶۵	مکزیک: در راه موفقیت
۶۸	افغانستان: بازسازی توانمندسازی کنترل موادمخدر
۷۰	تحولات در اروپای غربی

پیشگفتار

مهمترین موضوعات مطرح شده در استراتژی ملی کنترل مواد مخدر آمریکا عبارت است از:

- تاکید بر امر پیشگیری (نه درمان) و افزایش آگاهی های عمومی در خصوص مضرات سوء مصرف مواد مخدر به عنوان بخش مهمی از استراتژی مذکور
- تلاش جهت سازماندهی اقدامات ملی به منظور جلوگیری از تجارت و کسب درآمد از طریق قاچاق مواد مخدر

- حمایت از برنامه های آگاهی رسانی وزارت آموزش و پرورش و مدارس و تست مواد مخدر از دانش آموزان به منظور شناسایی افراد نیازمند درمان , بازپروری و مشاوره و همچنین جلوگیری از ابتلای افراد در معرض خطر مصرف مواد

- تاکید بر تعهد دولت امریکا در قبال خانواده ها و حمایت (مالی و ابزاری) به منظور فراهم آوردن محیطی عاری از مواد مخدر برای فرزندانشان
- اقدام دولت جهت افزایش سقف بودجه ملی در زمینه های تحقیقات , طرح های افزایش دادگاه های رسیدگی به پرونده های مواد مخدر و همچنین درمان معتادان, به عنوان مثال در این مقوله به طور متوسط بودجه سالانه بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار در نظر گرفته شده است.

- تاکید ویژه بر آموزش جوانان و ارتقای آگاهی های آنان در خصوص مضرات و ظواهر فریبنده در دفعات مصرف

- ایجاد مراکزی از سوی دولت برای معتادان بی خانمان و بیکار تا از این طریق افراد، ضمن برخورداری از حمایت مالی و افزایش مهارت های شغلی , از لحاظ درمانی و معنوی (تقویت ایمان) نیز تحت پوشش قرار گیرند.

- افزایش تحقیقات و رسیدگی به پرونده های منبع (کلمبیا) که در واقع

تامین کننده مواد مخدر مصرفی در ایالات متحده هستند. این کمک ها به صورت نقدی و یا به صورت فنی و آموزشی است. به طور مثال در خصوص کشور کلمبیا ، علاوه بر تخصیص کمک ۱/۶ میلیارد دلاری ، برنامه های سمپاشی مزارع و آموزش پرسنل نیز در استراتژی آمریکا مورد ملاحظه قرار دارد.

خلاصه آنکه ، استراتژی ۲۰۰۳ آمریکا بر سه محور اساسی :

- ۱- قطع مصرف قبل از شروع
 - ۲- درمان معتادان
 - ۳- نابودی بازار تاکید جدی دارد.
- امیدواریم استراتژیست ها، پژوهشگران ، مدیران و برنامه ریزان بتوانند از تجارب این استراتژی بهره ببرند.

محمد علی زکریایی

مدیر کل مرکز تحقیقات ، آموزش و فن آوری

یادداشت رییس جمهور امریکا به کنگره ایالات متحده آمریکا

مایلم استراتژی ملی کنترل مواد مخدر ۲۰۰۳ را هماهنگ با لایحه سال ۱۹۹۸ در مورد بازنگری قوانین ملی کنترل مواد مخدر ارایه نمایم.

یک بخش حساس استراتژی ما برای پیشگیری از سوء مصرف، آگاه کردن جوانان از ضررهای ناشی از مواد مخدر بر سلامتی و آینده آنان است. فرزندان ما باید از ابتدا یاد بگیرند که در تمام عمر، مسوول حذر کردن و پاک ماندن از مواد مخدر هستند. اگر فرزندان ما از مواد مخدر دوری کنند، می توانند در آینده کشورشان مشارکت داشته باشند. متأسفانه تعداد زیادی از آمریکایی ها مواد مخدر مصرف می کنند و بیشتر کسانی که مصرف آنها به حد پیشرفته رسیده (بیش از پنج میلیون آمریکایی) حتی واقف به نیاز به کمک نیستند. اگرچه معتادان باید خودشان اقدام به ترک کنند اما خانواده ها، دوستان، و نجات یافتگان از اعتیاد با استفاده از تجربیاتشان باید برای بهبود این مردان و زنان از هم پاشیده همکاری کنند. شکی نیست که خرید و فروش مواد مخدر یک تجارت است و قاچاقچیان برای کسب درآمد در عرصه این تجارت وارد شده اند. استراتژی حاضر در راستای سلب این درآمدها است. به طور خلاصه هدف ما بی ارزش کردن تجارت مواد مخدر در هر جای ممکن می باشد.

استراتژی ما یک استراتژی عملکردی (اجرایی) است و نتایج به دست آمده نمایانگر موفقیت آن خواهد بود. این نتایج نمایانگر تعهد وجدانی ما نسبت به فرزندان این کشور است. درخواست من حمایت مستمر شما در این وظیفه خطیر است.



کاخ سفید

مقدمه

استراتژی کنترل مواد مخدر در سال پیش، یک موضوع نگران‌کننده را خاطر نشان می‌ساخت. اطلاعات مربوط به سال تحصیلی ۲۰۰۰-۲۰۰۱ حاکی از استمرار روند مصرف مواد مخدر در میان جوانان بود که از اوایل دهه ۱۹۹۰ آغاز شده بود. بیش از نیمی از دانش‌آموزان دبیرستانی ایالات متحده تا پیش از فارغ‌التحصیلی حداقل یک بار مواد مخدر مصرف کرده بودند و یک چهارم آنها جزء مصرف‌کنندگان دائمی تلقی می‌شدند. درصد بالایی مصرف‌کننده دائمی ماریوانا، اکستسی و هالوسینوزن‌هایی همچون ال‌اس‌دی بودند. همانند دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، گرایش و اشتیاق جوانان به مصرف مواد مخدر به شدت افزایش یافته بود. برعکس، در استراتژی امسال خوشحالیم گزارش کنیم که پس از سال‌ها روند مصرف مواد مخدر در میان جوانان، سیر نزولی یافته است. در حقیقت، اطلاعات برگرفته از آخرین تحقیق دانشگاه میشیگان تحت عنوان نظارت بر آینده، نشانگر کاهش مصرف در میان جوانان طی دهه گذشته بوده و عمده کاهش‌ها در میان فارغ‌التحصیلان سال‌های هشتم، نهم و دوازدهم تحصیلی دیده می‌شود. همچنین سطح مصرف برخی مواد نسبت به سه دهه گذشته کاهش یافته است. چنین کاهش واقعی نادر بوده است و این امید بیش از پیش به وجود آمده که آمریکا بتواند در راستای کاهش چشمگیر معضل مواد مخدر گام بردارد.

برخی یافته‌های این تحقیق عبارتند از:

- درصد دانش‌آموزان کلاس‌های هشتم و نهم که مواد مخدر مصرف کرده‌اند به ترتیب از سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ در پایین‌ترین سطح خود بوده است.
- در میان دانش‌آموزان کلاس نهم، مصرف ماریوانا در سال گذشته و ماه

قبل کاهش یافته است. مصرف سال گذشته ماری جوانا در میان دانش‌آموزان سال هشتم به ۱۴/۶٪ کاهش یافته که از سال ۱۹۹۴ پایین‌ترین رقم بوده است.

• تنها با یک استثنا (مصرف در ماه گذشته یا سال گذشته در بین دانش‌آموزان سال دوازدهم) مصرف مواد مخدر غیرقانونی به غیر از ماری جوانا در تمامی کلاس‌های ارزیابی شده و در تمامی مقاطع زمانی مورد نظر (طول زندگی، سالانه و ماه گذشته) کاهش یافته است هرچند این تغییرات به لحاظ آماری چندان مهم نیستند.

• مصرف اکستسی در تمام سه دوره تحصیلی کاهش یافته است. مصرف اکستسی در ماه گذشته و سال گذشته در میان دانش‌آموزان کلاس دهم در سال ۲۰۰۱ نسبت به سال ۲۰۰۰ کاهش چشمگیری داشته است. آمار سال گذشته، طول زندگی و در سال ۲۰۰۰، در هر سه دوره تحصیلی پایین بوده است.

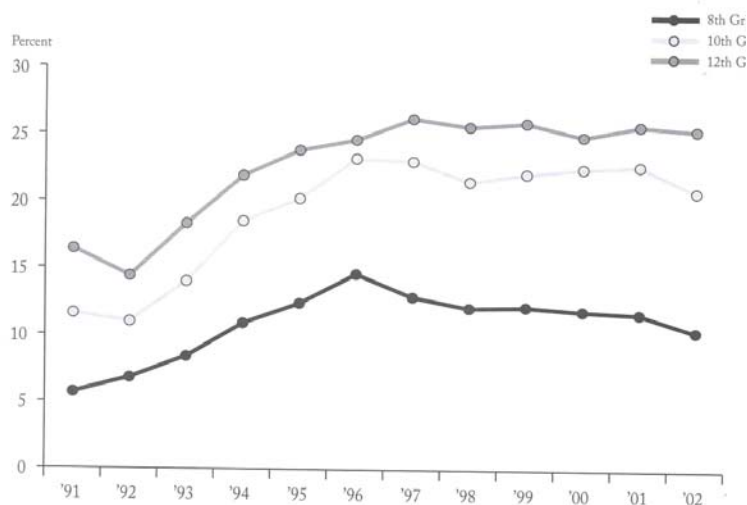
• مصرف ال‌اس‌دی در طول زندگی و سال گذشته در میان دانش‌آموزان سال‌های هشتم، دهم و دوازدهم کاهش چشمگیری داشته است و مصرف ماه گذشته در میان سال‌های دهم و دوازدهم کاهش یافته بود.

این نتایج امیدبخش تنها محدود به یک ارزیابی نیستند. دیگر مطالعات انجام شده از جمله ارزیابی سالانه موسسه آموزش مواد مخدر برای والدین که مصرف مواد مخدر در میان دانش‌آموزان دبیرستانی و دانشجویان را می‌سنجد نیز اطلاعات تحقیق «نظارت بر آینده» را تایید کرده‌اند. کاهش هم‌زمان مصرف الکل و سیگار در میان نوجوانان حاکی از آن است که آن‌گونه که برخی پیش‌بینی کرده‌اند، دانش‌آموزان یک ماده را جایگزین ماده دیگر نمی‌کنند، بلکه از همه انواع مواد سکرآور پرهیز می‌کنند.

یک استراتژی متوازن

ما به هدف مهم کاهش مصرف مواد مخدر در میان جوانانمان نایل آمده‌ایم. هم اکنون باید یک کار مهم دیگر، یعنی حفظ روند نزول و تسریع در آن را پی بگیریم. این بار قصد داریم ابعاد این مساله را کوچکتر سازیم و ساختارهایی را تدوین نماییم که باعث پیشرفت‌های بیشتر در آینده شوند. **حفظ روند فعلی نیازمند تمرکز بر تمامی ابعاد کنترل مواد مخدر و همچنین اتخاذ یک استراتژی متوازن برای پرداختن به معضل مواد مخدر است.** سند حاضر به کمک سه هدف و اولویت اصلی خود، به هر دو بخش پرداخته است.

شکل ۱: مصرف هرگونه ماده مخدر غیرقانونی در ماه گذشته میان دانش آموزان کلاس‌های هشتم، دهم و دوازدهم.^۱



اولویت ۱ استراتژی، یعنی قطع مصرف قبل از شروع، سند حاضر، آموزش جوانان را در زمینه پرهیز از مصرف مواد مخدر به دلیل آثاری که این مواد

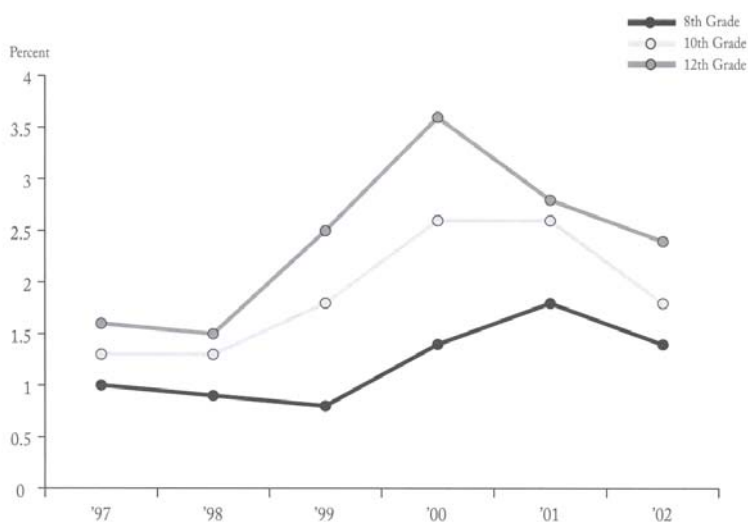
می‌توانند بر سلامت و آینده فرد داشته باشند، مورد تاکید قرار می‌دهد. کودکان ما باید از سنین پایین بیاموزند که در تمام طول زندگیشان مسوول پرهیز از موادمخدر هستند. وقتی والدین و مربیان، شرایط مساعدی را فراهم کردند، آنگاه ما از برنامه تست مواد مخدر دانش‌آموزان استفاده خواهیم نمود. برنامه تست مواد مخدر کارآیی خوبی دارد زیرا منعکس‌کننده انگیزه‌های دانش‌آموزان و ایجاد روشی مناسب جهت « نه » گفتن دانش‌آموزان در زمانی است که فشار هم‌سن و سالان آنها به اوج خود رسیده است. علیرغم تمامی تلاش‌های ما برای جلوگیری از مصرف مواد مخدر، هنوز هم حدود ۱۶ میلیون آمریکایی به طور منظم مواد مخدر مصرف می‌کنند و حدود ۶ میلیون نفر نیز برای درمان به مراکز پزشکی مراجعه می‌نمایند. هنوز هم بسیاری از کسانی که مواد مصرف می‌کنند از نیاز درمانی خود اطلاع ندارند. کسانی که یکی از عزیزانشان با اعتیاد دست به گریبان است این واقعیت را به خوبی درک می‌کنند.

اولویت ۲ این استراتژی، درمان مصرف‌کنندگان مواد مخدر در آمریکا است که بر نیاز به تبادل تجربه خانواده‌ها، دوستان و دیگر افراد جهت غلبه بر مشکل اعتیاد تاکید دارد. معتادان باید توسط سازمان‌ها یا کسانی که با آنها کار می‌کنند - کارفرمایان، نهادهای انتظامی، انجمن‌های خیریه و ارایه‌دهندگان خدمات بهداشتی و درمانی - به عنوان معتاد شناسایی و به مراکز درمانی ارجاع شوند. برای گسترش دستیابی به امکانات درمانی، این استراتژی یک برنامه جدید صدور کوپن را در نظر دارد که طی سه سال به بودجه‌ای معادل ۶۰۰ میلیون دلار نیاز دارد. طبق این برنامه ضمن این که بدون هیچ‌گونه تبعیضی کمک‌های مالی در اختیار مراکز درمانی قرار می‌گیرد، مسوولیت‌پذیری این مراکز افزایش خواهد یافت.

اولویت ۳ این استراتژی، نابودی بازاری است که به تجارت مواد مخدر به عنوان یک نوع کسب و کار می‌پردازد. این اولویت با موانع و فشار زیادی مواجه خواهد بود. تجارت مواد مخدر ذاتاً غیرقابل توقف نیست اما باید تجارتی را نابود کرد

که بسیار سودآور است. هر اقدامی که باعث کاهش سود و افزایش هزینه‌های تجارت مواد مخدر شود، گامی است جهت درهم شکستن بازار این گونه مواد. همان گونه که در این استراتژی توضیح داده می‌شود قاچاقچیان به دنبال سود هستند. ما می‌خواهیم آنها را از این درآمد بازداریم.

شکل ۲: مصرف اکستازی در ماه گذشته میان دانش آموزان کلاس های هشتم، دهم و دوازدهم.^۱



پیشرفت به سمت تحقق اهداف دو و پنج ساله

هدف استراتژی ملی کنترل مواد مخدر ریاست جمهوری که در فوریه سال ۲۰۰۲ تقدیم کنگره شد، کاهش مصرف مواد مخدر غیرقانونی بین افراد ۱۲ تا ۱۷ سال تا ۱۰٪ در مدت دو سال و تا ۲۵٪ در مدت پنج سال بود. همچنین، هدف دیگر این استراتژی کاهش مصرف مواد مخدر در میان افراد بالای ۱۸ سال تا ۱۰٪ در مدت دو سال و تا ۲۵٪ در مدت پنج سال بود.

۱- منبع: تصویر آینده (۲۰۰۲)

پیشرفت در تحقق این اهداف بر اساس ارزیابی ملی مصرف مواد مخدر در خانواده‌ها ارزیابی خواهد شد. اما تغییرات اخیر این ارزیابی باعث کمی گسستگی میان اطلاعات سال ۲۰۰۲ و اطلاعات سال های پیش شده‌اند. اگرچه تغییرات این ارزیابی باعث فراهم آمدن اطلاعات آماری دقیق تری در خصوص وضعیت آتی خواهند شد اما مانع از مقایسه نرخ مصرف در سال ۲۰۰۰ خواهند گردید. خوشبختانه، ارزیابی دیگری نیز انجام می‌شود که مصرف مواد مخدر در میان افراد مختلف را می‌سنجد و در عین حال باعث استمرار اطلاعات در طول زمان خواهد شد. در نتیجه، این استراتژی پیشرفت به سمت تحقق اهداف دو و پنج ساله را نیز ارزیابی می‌کند، لذا مصرف مواد مخدر میان دانش‌آموزان کلاس های هشتم، دهم و دوازدهم با استفاده از تحقیق « نظارت بر آینده » در سال تحصیلی ۲۰۰۱-۲۰۰۰ بررسی خواهد شد.

اگرچه سال نخست برنامه دو ساله از دست رفته است اما هدف کاهش مصرف مستمر مواد مخدر تا ۱۰٪ میان دانش‌آموزان کلاس های هشتم، دهم و دوازدهم به کمک تحقیق « نظارت بر آینده » بررسی شده و در نتیجه روالی مناسب را در اختیار ما می‌گذارد. این یافته قابل مقایسه با یافته‌های ارزیابی آموزش مواد مخدر برای والدین است که از متدولوژی متفاوت و گروه های سنی متفاوتی استفاده نموده است. طبق آن تحقیق، مصرف مواد مخدر در ماه گذشته میان دانش‌آموزان سال های آخر دبیرستان ۳/۱۴٪ و میان دانش‌آموزان سال های نخست دبیرستان ۱/۱۱٪ کاهش داشته است. بدین ترتیب هدف این استراتژی یعنی بر کاهش ۱۰ درصدی، تحقق یافته است.

اهداف استراتژی ملی کنترل مواد مخدر

اهداف دو ساله: ۱۰٪ کاهش مصرف مستمر مواد مخدر توسط دانش‌آموزان سال های هشتم، دهم و دوازدهم

۱۰٪ کاهش مصرف مستمر مواد مخدر توسط افراد بالای ۱۸ سال.

اهداف پنج ساله: ۲۵٪ کاهش مصرف مستمر مواد مخدر توسط دانش‌آموزان سال های هشتم، دهم و دوازدهم

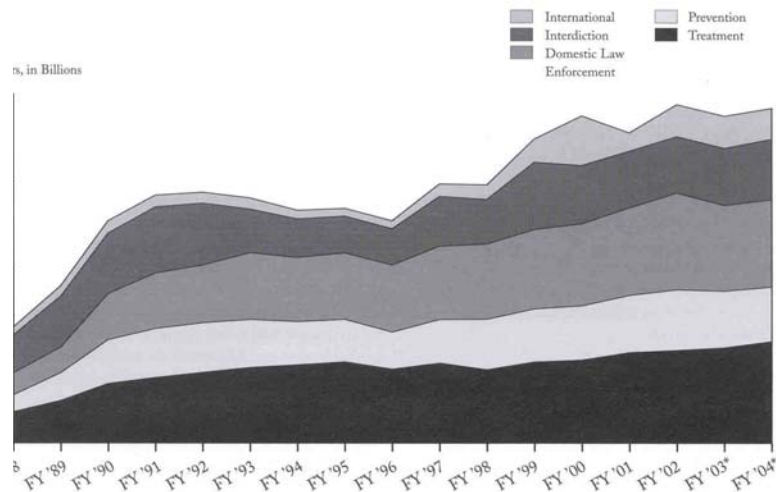
۲۵٪ کاهش مصرف مستمر مواد مخدر توسط افراد بالای ۱۸ سال.

با توجه به وقفه پیش آمده و این که هیچ گونه اطلاعات جایگزینی برای ارزیابی

تحقق اهداف پنج ساله و دو ساله کاهش مصرف در میان بزرگ سالان وجود نداشت، لذا این استراتژی از ارزیابی خانواده‌ها در سال ۲۰۰۲ استفاده نموده است.

دستور کار مدیریتی ریاست جمهوری: تلفیق بودجه و عملکرد

طی سال گذشته، دولت به اعمال اصول برنامه مدیریتی ریاست جمهوری در قبال برنامه ملی کنترل مواد مخدر ادامه داده است. با همکاری دفتر مدیریت و بودجه و دفتر سیاست ملی کنترل مواد مخدر بودجه پیشنهادی سال گذشته تجدید شد. به علاوه، کلیه نهادهای ملی کنترل مواد مخدر با یکدیگر همکاری کرده اند تا اطلاعات مربوط به عملکرد این برنامه را افزایش داده و این اطلاعات را با تصمیمات مربوط به بودجه تلفیق نمایند. دولت به استمرار این تلاش‌ها متعهد است و اطلاعات عملکردی را با بودجه جدید مبارزه با مواد مخدر تلفیق خواهد نمود. در نتیجه، برای نخستین بار بودجه آرایه شده برای سال مالی ۲۰۰۴ منعکس کننده منابع اختصاص یافته به کنترل مواد مخدر خواهد بود. بودجه جدید به جای اینکه همانند سال‌های پیش مبتنی بر آمار حاصل از اتخاذ چنین تصمیماتی باشد، منعکس کننده میزان واقعی پولی است که کنگره در اختیار نهادهای ملی مبارزه با مواد مخدر قرار می‌دهد که قصد دارند طبق بودجه سالیانه رییس جمهور عمل کنند. به علاوه، بودجه امسال بیشتر شامل هزینه‌هایی است که قرار است صرف کاهش مصرف شوند، نه همانند سال‌های پیش صرف عواقب و نتایج مصرف مواد مخدر.

شکل ۳: بودجه کنترل مواد مخدر فدرال (1988-2004) برحسب دلار^۱

اکنون که حوزه بودجه کنترل مواد مخدر محدودتر شده و بر اساس هزینه‌های واقعی تامین می‌شود، باید از آن به عنوان ابزاری مفید در سیاست‌گذاری‌ها استفاده نمود. اختصاص منابع، بخشی از پروسه تصمیم‌گیری‌ها خواهد بود، نه صرفاً بر اساس اطلاعاتی که بعد از تصمیم‌گیری‌ها گزارش می‌شوند. اختصاص منطقی منابع نیازمند آن است که سیاست‌گذاران اطلاعات عملکرد بهتری درباره برنامه‌های تحت حمایت این بودجه‌ارایه نمایند. در همین راستا، ONDCP با همکاری OMB نتایج برنامه‌های برگزیده کنترل مواد مخدر که مجموعاً ۳۲٪ کل بودجه موادمخدر را تشکیل می‌دهند، مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج این ارزیابی‌ها در بودجه ریاست جمهوری‌ارایه گردیده‌اند. هم‌چنان که با یکدیگر کار می‌کنیم تا حوزه این ارزیابی‌ها در بودجه کنترل مواد مخدر را افزایش دهیم، چارچوبی جدید برای تلفیق نتایج این برنامه‌ها با هدف اصلی این استراتژی یعنی کاهش مصرف موادمخدر نیز تدوین خواهیم نمود.

۱- منبع: گزارش ریاست جمهوری

پیشرفت به سمت کاهش کلی مصرف مواد مخدر در ایالات متحده بر اساس ارزیابی شاخص های کلیدی و اهدافی که منطبق با سه اولویت این استراتژی هستند — قطع مصرف قبل از شروع، درمان مصرف کنندگان مواد مخدر و نابودی بازارها — سنجیده خواهد شد. اهداف برنامه های منفرد کنترل مواد مخدر در راستای تحقق این اولویت های شاخص خواهند بود.

طبق قانون «نتایج و عملکرد دولت»، هر یک از نهادهای ملی کنترل مواد مخدر یک برنامه استراتژیک، برنامه های عملکردی سالیانه و گزارش های سالیانه خواهد داشت. در سال آینده، ONDCP با نهادهای مسوول کنترل مواد مخدر همکاری می نماید تا سنجش کارآیی برنامه ها و تحقق اهداف مورد نظر را تضمین نماید. با توجه به هدف اصلی کاهش مصرف، تمامی برنامه ریزی ها به سمت اولویت های مذکور و از طریق آنها به سمت برنامه های مجزا و منفرد معطوف خواهند بود. نتایج برنامه ها در چرخه ای معکوس سنجیده خواهند شد یعنی هر برنامه به هدف خود دست می یابد و سپس نتیجه به دست آمده در اولویت ها و نهایتاً در هدف اصلی کاهش مصرف منعکس خواهد شد. وقتی چنین پیشرفتی حاصل نگردد ما باید به عقب برگردیم تا این برنامه ها بتوانند به نتایجشان دست یابند. تصمیمات مربوط به اختصاص منابع، برای حمایت از برنامه هایی اتخاذ می شوند که کارآمد هستند و به شکلی اثربخش به این استراتژی کمک می کنند.

بودجه جدید مواد مخدر و چارچوبی که به تحقق اهداف آن کمک می کند، مسوولیت دولت در قبال تلفیق بودجه و عملکرد دولت فدرال را افزایش می دهد.

اولویت های ملی

نکات مهم در خصوص بودجه

□ ONDCP - تبلیغات مبارزه با مواد مخدر برای جوانان از طریق رسانه‌های ملی: ۱۷۰ میلیون دلار

در بودجه ریاست جمهوری برای سال مالی ۲۰۰۴ تامین بودجه تبلیغات رسانه‌ای پیش بینی شده ادامه یافته است و این بودجه صرف تبلیغات به ویژه در سطح عام خواهد شد تا خانواده‌ها، والدین و جوانان درباره عواقب مصرف مواد مخدر آموزش ببینند. این پیام های تاثیرگذار و هدفمند که در سطوح ملی و محلی ارایه می‌شوند، به دنبال کاهش مصرف مواد مخدر از طریق تغییر دیدگاه های مخاطره‌آمیز بزرگ سالان و طرد اجتماعی مواد مخدر هستند. در تلاشی ملی برای تحقق این هدف، اخیرا تبلیغات رسانه‌ای دستخوش تغییراتی بنیادی شده و یک استراتژی نوین برای آن تدوین گردیده است. این استراتژی نوین نیازمند تست تمامی آگهی های تلویزیونی، تمرکز بر مخاطبان جوان بین ۱۴ تا ۱۶ سال (دوره‌ای که بیشترین خطر آغاز مصرف مواد مخدر را دارد)، استفاده از رویکردهای متمرکزتر، اصلاح تبلیغات رسانه‌ای جهت تمرکز بر پیشگیری از مصرف ماری جوانا توسط جوانان، استفاده از فعالیت های خلاقانه ONDCP در تبلیغات و سختگیری های بیشتر در انتشار آگهی ها می‌باشد.

□ ONDCP — برنامه جوامع عاری از اعتیاد: ۷۰ میلیون دلار

این برنامه به جوامع مختلف در تدوین و پیگیری برنامه‌های مقابله با مصرف مواد مخدر کمک می‌نماید. هدف این برنامه‌ها کاهش مصرف در میان جوانان و تقویت همکاری میان سازمان‌ها و نهادهای خصوصی و دولتی و فعالیت‌ها به عنوان تسریع‌کننده مشارکت شهروندان در برنامه ریزی استراتژیک و همچنین کاهش مصرف مواد مخدر در طول زمان است. به علاوه، انتظار می‌رود برنامه‌های جوامع عاری از مواد مخدر، اطلاعات حاصل از منابع مختلف از جمله اطلاعات مربوط به مصرف الکل، تنباکو و هر نوع ماده مخدری را روزآمد سازند. برای تقویت چنین برنامه‌های موثری، دولت ۱۰ میلیون دلار افزایش بودجه نسبت به سال ۲۰۰۳ را پیشنهاد کرده است.

□ آموزش — برنامه جوامع و مدارس امن و عاری از مواد مخدر: ۶۹۴ میلیون دلار

در بودجه سال مالی ۲۰۰۴ آمده است که این برنامه ناکارآمد بوده و توصیه شده که برای سنجش عملکرد این برنامه و توزیع بودجه آن، استراتژی جدیدی ترسیم شود. طبق بودجه پیشنهادی، منابع در اختیار این برنامه به تدریج کاهش می‌یابد تا اینکه نتایج این برنامه به توانند کارایی خود را اثبات نمایند. بودجه این برنامه برای وام‌های ایالتی و برنامه‌های ملی مناسب هستند. وام‌های ایالتی در اختیار تمامی ۵۰ فرماندار ایالات متحده و همچنین نهادهای آموزشی ایالت‌ها قرار می‌گیرند. به عنوان بخشی از بودجه برنامه ملی در سال مالی ۲۰۰۴، هشت میلیون دلار برای تست مواد مخدر، ارزیابی‌ها و مداخلات در نظر گرفته شده است. کارآمد بودن تست مواد مخدر در مدارس و محیط‌های کاری کشور به اثبات رسیده است. طبق برنامه سال مالی ۲۰۰۳، وزارت آموزش و پرورش اقدامات مربوط به تست مواد مخدر را گسترش خواهد داد.

□ همکاری در راستای ارائه خدمات ملی و اجتماعی — ابتکار برنامه‌های مواد مخدر برای والدین: ۵ میلیون دلار

این ابتکار به والدین کمک می‌کند تا کودکان خود را عاری از مواد مخدر نگه دارند. بودجه این برنامه در اختیار انجمن‌های اولیا و مربیان قرار می‌گیرد تا در

مورد چگونگی کاهش مصرف مواد مخدر و ایجاد گروه های پیشگیری از مواد مخدر به هزاران نفر از والدین سراسر کشور آموزش دهند.

فصل اول

قطع مصرف قبل از شروع

فعالیت های آموزشی و اجتماعی

تلاش های پیشگیرانه، اولین قدم در مقابله با مواد مخدر است. این تلاش ها نویدگر جلوگیری از سوء مصرف است قبل از آن که خانواده ها، درد و رنج افتادن یکی از عزیزانشان را در دام اعتیاد ببینند. اگرچه ما با یک چالش اساسی برای کاهش مصرف روبرو هستیم (با داشتن ۱۶ میلیون مصرف کننده در ماه گذشته که ۶ میلیون شدیداً نیاز به درمان داشتند) لکن استراتژی ملی ما برای پیشگیری از مصرف آینده روشنی دارد. اگرچه ۷٪ آمریکایی ها به طور مستمر مواد مخدر مصرف می کنند، اما ۹۳٪ دیگر این کار را نمی کنند. کنترل مواد قانونی مانند الکل فی نفسه مشکل تر است و آمار نیز نمایانگر آن است. ۱۰۹ میلیون آمریکایی الکل مصرف می کنند که ۱۳ میلیون نفر از آنها نیاز به کمک دارند. در میان جوانان نیز الکل متداول تر از مواد مخدر است.

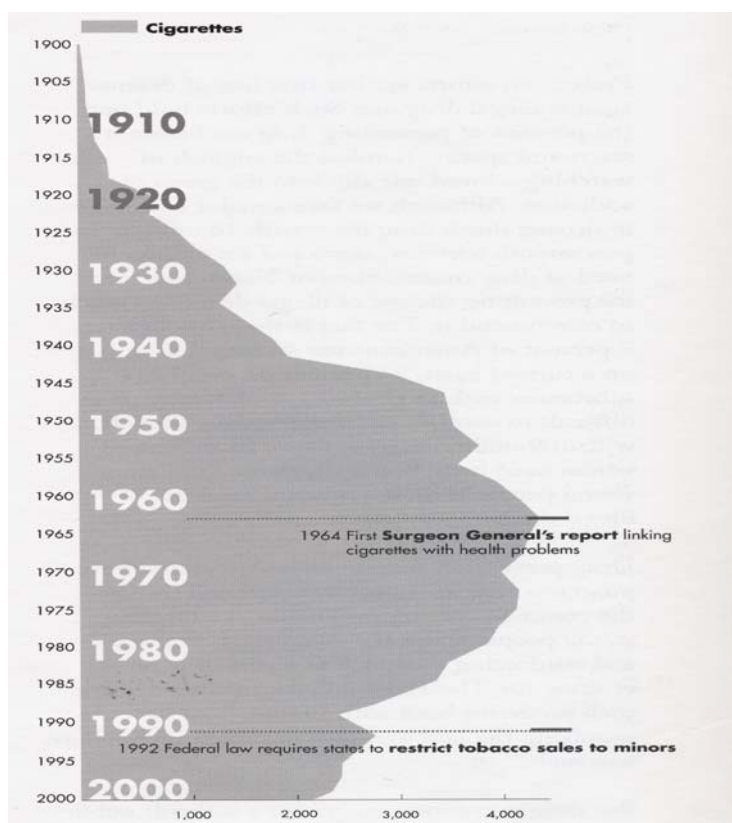
برنامه های مقابله با مصرف مواد مخدر بخصوص برنامه های تحقیقاتی که جامعه را در بر می گیرند، برای آموزش خطرات ناشی از مصرف مواد مخدر به جوانان و همچنین آماده سازی زمینه برای نفی اجتماعی مصرف مواد مخدر بسیار با ارزش هستند. دولت فدرال آمریکا این گونه برنامه ها را چه از طریق تامین بودجه و چه از طریق در دسترس گذاشتن اطلاعات آماری، تکنولوژیکی

و ابزار، حمایت می کند. اما مقابله با مصرف مواد مخدر نیازمند یک بحث جامع در زمینه سیاست های عمومی است، زیرا فعالیت های مذکور تنها شامل یک سری برنامه های پراکنده دولتی نیستند. بلکه شامل تلاش های خانواده ها و جامعه در راه شکوفایی جوانان هستند.

متأسفانه طی سال ها و به دلیل فرهنگ متداول، والدینی که سعی در آگاه کردن فرزندان شان از خطرات ناشی از مواد مخدر و آموزش آنها برای آزادی در اتخاذ تصمیمات صحیح داشتند، هیچ گونه حمایتی نشدند. در موسیقی، فیلم و تلویزیون، مصرف مواد مخدر اغلب پر طرفدار و مهیج و مصرف کنندگان و حتی فروشندگان مواد مخدر افرادی افسار گسیخته و قانون گریز معرفی می شوند. از سوی دیگر، گروه های خواستار قانونی کردن مواد مخدر، در رابطه با اثرات آنها، اقدام به انتشار اخبار سوء کرده و حتی تلویحا به جوانان اعلام می کنند که مصرف مواد مخدر بخشی از آداب گذرای جوانی بوده و بزرگترهایی که آن را نفی می کنند، سعی در محدود کردن حقوق مسلم آنها دارند. چنین اخبار بدی در بعضی ایالات، چالش های قانونی نیز ایجاد کرده، مانند ایالاتی که در آنها گروه هایی خواستار قانونی کردن مواد مخدراند و سعی در برگزاری همه پرسی هایی در رابطه با قانونی کردن حشیش برای "مصارف پزشکی" دارند.

گروه های خواستار قانونی شدن، خواسته خود را به عنوان خواسته عامه مردم معرفی می کنند، بدین معنی که والدین و جوامع به دنبال رواج بیشتر مواد مخدر در مدارس و خانه های شان هستند. با استفاده از تبلیغات جذاب و عملا بدون رقابت و ادعاهای عجیبی که حتی شهروندان خیرخواه را نیز همراه می کند، طرفداران این فعالیت ها به موفقیت هایی دست یافته اند. البته تاکنون این فعالان در یک سری همه پرسی های کلیدی و فعالیت های مشابه در چهار ایالت نوادا، آریزونا، اوهایو و داکوتای جنوبی شکست خوردند و فعالیت های آنها در ایالات فلوریدا و میسیسیگان نیز ناتمام ماند.

شکل ۴: روند مصرف سیگار طی سال های ۱۹۰۰ لغایت ۲۰۰۰
مصرف سرانه سیگار برای افراد ۱۸ سال به بالا^۱



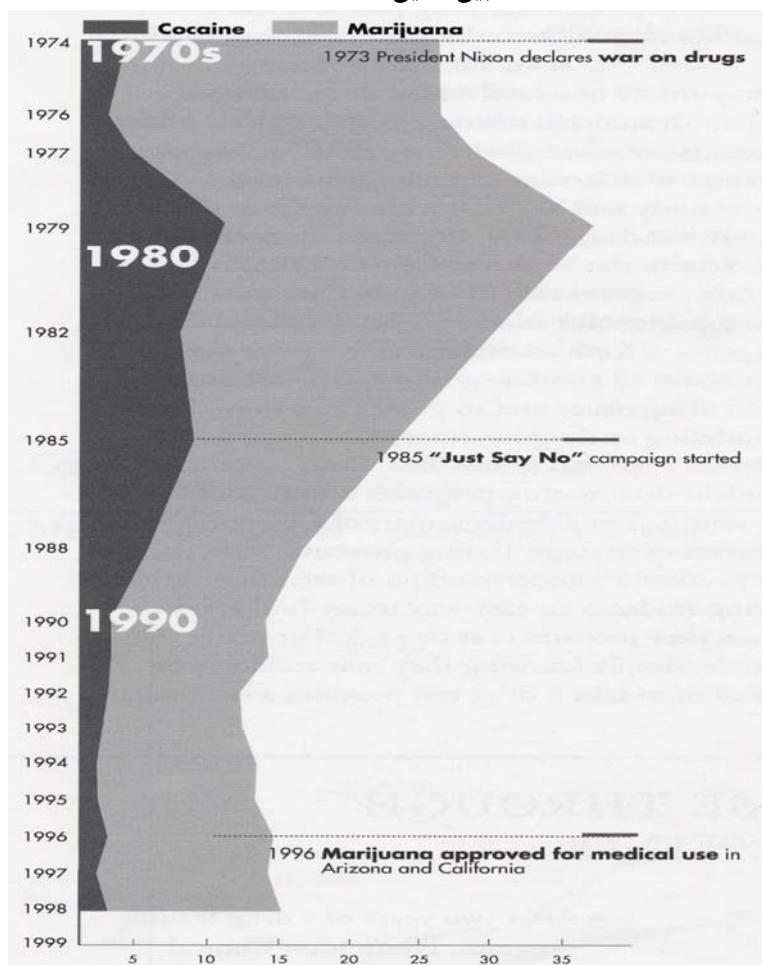
تکته : اطلاعات سال ۲۰۰۰ نهایی نیستند.

۱- منبع: برای سال های ۱۹۷۴-۱۹۰۰ سالنامه تنباکو؛ ۱۹۸۱ سرهنگ کلم کاکرل، بوینگ گرین؛ برای سال های ۱۹۷۵-۱۹۸۱ وزارت کشاورزی، گزارش وضعیت و چشم انداز تنباکو، بخش اقتصادی، خدمات تحقیقات اقتصادی سال ۱۹۸۵؛ برای سال های ۱۹۸۲-۱۹۸۹ وزارت کشاورزی ایالت متحده، گزارش وضعیت و چشم انداز تنباکو، موسسه راکویل؛ بخش اقتصادی، خدمات تحقیقات اقتصادی برای سال های ۱۹۹۰-۲۰۰۰ وزارت کشاورزی گزارش وضعیت و چشم انداز تنباکو واشنگتن. بخش اصول اقتصادی تجارت و بازار، خدمات تحقیقات اقتصادی.

درک مطلق شکست‌ها بسیار حیرت‌آور است. شکست‌هایی همچون سعی در قانونی کردن حمل و استفاده حشیش در ایالت نوادا یا لایحه اوهایو که اختیارات ایالت برای محبوس کردن فروشندگان مواد مخدر و ارایه درمان به زندانیان را سلب می‌کند و یا ابتکار استفاده پزشکی از حشیش در ایالت آریزونا. در سال گذشته، یک باند کوچک و ثروتمند حامیان این طرح‌ها، میلیون‌ها دلار صرف تبلیغات مختلف کرد ولی شکست سراسری آنها نشانگر دید مردم نسبت به نیرنگ‌های آنها در ایالت‌های مورد نظر است. البته آمار ۲۰۰۲ نمایانگر آن است که پس از حملات یازده سپتامبر، احساسات مردم نسبت به چنین گروه‌هایی کمتر از آنچه بوده که بعضی انتظار داشتند.

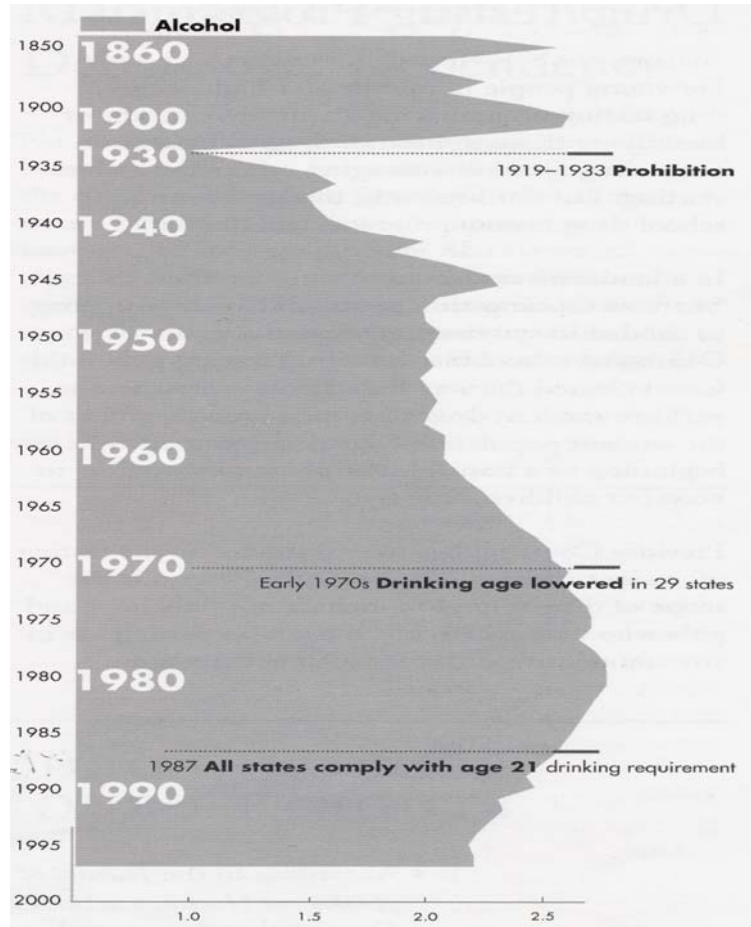
به هر حال این احساسات مهم حتی برای تلاش‌های ملی مقابله با مواد مخدر سرنوشت‌ساز هستند و مانند محدودیت قانونی مصرف دخانیات و الکل، موفقیت آنها مدیون آگاهی و مشارکت مردمی است. آمارها نمایانگر کاهش عمده مصرف دخانیات پس از گزارش ۱۹۶۴ وزارت بهداشت در خصوص ارتباط سیگار و مشکلات بهداشتی و همچنین وضع قوانین دولتی در سال ۱۹۹۲ جهت اعمال محدودیت‌ها برای فروش سیگار به نوجوانان هستند.

شکل ۵: درصد مصرف کنندگان ماری جوانا و کوکائین
بین سنین ۱۸-۲۵



۱-منبع: برای سال های ۱۹۷۴-۱۹۷۸ سازمان سوءمصرف مواد و خدمات بهداشت روانی، دفتر مطالعات کاربردی. ارزیابی خانواده ها پیرامون سوءمصرف موادمخدر: نکات برجسته ۱۹۹۱. موسسه راکویل ۱۹۹۳، نمودار ۱۰، ص ۷۸. برای سال های ۱۹۷۹-۱۹۹۸ سازمان سوءمصرف مواد و خدمات بهداشت روانی، دفتر مطالعات کاربردی. خلاصه ای از یافته های ارزیابی سال ۱۹۹۸ ارزیابی خانواده ها پیرامون سوءمصرف موادمخدر. موسسه راکویل، نمودارهای ۱۰ (ص ۷۴)، ۱۳ (ص ۷۵).

روند مصرف مشروبات الکلی مصرف سرانه (گالن اتانول)^۱



تکته: مصرف الکل بر مبنای تعداد گالون های فروخته شده یا تبدیل شراب، آبجو به گالون های اتانول (الکل خاص) سنجیده شده است. در این راستا از میانگین محتوای اتانول برای هر نوع مشروب استفاده شده است. این آمارها در قبال افراد ۱۵ سال به بالا تا پایین پیش از سال ۱۹۷۰ و همچنین افراد بالای ۱۴ سال پس از آن تاریخ محاسبه شده است.

۱- منبع: موسسه ملی سوء مصرف الکل و الکلیسم بخش بیومتری و همه گیرشناسی مصرف سرانه الکل: روندهای ملی، ایالتی و منطقه ای ۱۹۹۷-۱۹۷۷. گزارش نظارت و ارزیابی شماره ۵۱ دسامبر ۱۹۹۹.

از طرف دیگر آمارها، کاهش شدید مصرف را نشان می دهند، به ویژه پس از شروع یک حرکت ملی در سال ۱۹۸۵ توسط نانسی ریگان، با شعار " فقط بگویید نه". سوء مصرف مواد مخدر نیز همچون دخانیات و آسیب های اجتماعی دیگر معضلی است برآمده از فشارهای اجتماعی که مقابله با این معضل باعث کوچکتر شدن آن می شود.

حمایت از برنامه تست مصرف مواد مخدر از دانش آموزان

در سطح مدارس راهنمایی و دبیرستان، برنامه آزمایش تست مواد مخدر یک وسیله موثر برای شناسایی دانش آموزان نیازمند به بازپروری و مشاوره و اعلام خطر برای کسانی که هنوز آلوده نشده اند، می باشد. ولی تاکنون آینده حقوقی برنامه آزمایش تست مواد مخدر مدارس شفاف نبوده است.

تایپستان گذشته در یک تصمیم تاریخی، دادگاه عالی ایالات متحده، حمایتی قوی را از مدارس نیازمند مقابله با مواد مخدر، به عمل آورد. با اجرای مقررات تست دانش آموزان در یک منطقه آموزشی اوکلاهما، دادگاه راه را برای مدارس در همه جا باز کرد تا بتوانند به طور تصادفی آزمایش بر روی بخش بزرگی از جمعیت دانش آموزی را انجام دهند. این تصمیم شروع یک مجموعه جدید از تلاش ها برای عاری سازی کودکانمان از مواد مخدر است. قانون قبلی تنها به تست دانش آموزان ورزشکار محدود می شد، ولی قانون جدید نه تنها پسران و دختران ورزشکار را پوشش می دهد بلکه شامل تمامی دانش آموزانی می گردد که به نوعی در فعالیت های درسی شرکت دارند. در نتیجه، اکنون دبیرستان ها و مدارس راهنمایی در سراسر آمریکا می توانند مشکل سوء مصرف را در مدارس شناسایی کرده و دانش آموزان نیازمند به درمان را برای باز پروری به مراکز درمانی مربوطه معرفی کنند.

هدف از تست مواد مخدر دانش آموزان تنبیه آنها نیست. اگر دانش آموزان مصرف کننده بدون سعی در بازپروری آنها از مدارس اخراج شوند، جامعه با موجی از دانش آموزان اخراجی مصرف کننده مواد مخدر روبرو خواهد شد که خود در دراز مدت یک معضل جدی به شمار می رود. البته آزمایشات تست مواد

مخدر باید شامل اقدامات انضباطی کاملا مشخص برای دانش آموزان مصرف کننده مواد مخدر باشد. محرومیت از شرکت در فعالیت های ورزشی می تواند در زمره این اقدامات انضباطی باشد. البته هدف اصلی، دور نگه داشتن دانش آموزان از مواد مخدر و ترغیب آنها به مشاوره و بازپروری است.

کاهش سوء مصرف از طریق تست دانش آموزان

به گزارش مجله بهداشت جوانان در ایالت اورگان نسبت دانش آموزان مصرف کننده موادمخدر در یک مدرسه که در آن تست مصرف موادمخدر از دانش آموزان ورزشکار به عمل می آمد، یک چهارم مدرسه مشابه بدون تست موادمخدر بود. پس از دو سال آزمایشات مواد مخدر، دبیرستان منطقه ای مرکزی هانتردون در ایالت نیوجرسی، کاهش چشمگیری در مصرف ۲۰٪ از ۲۸ نوع مواد مخدر مشاهده کرد. مثلا مصرف کوکائین توسط دبیرستانی ها از ۱۳٪ به ۴٪ تنزل کرده بود.

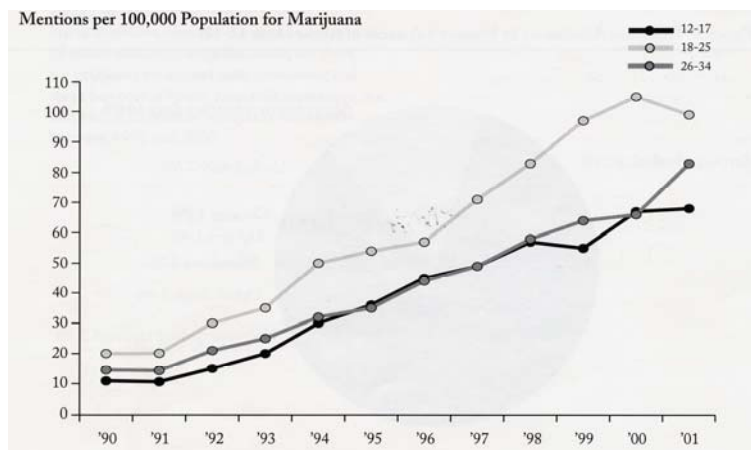
همچنین آزمایش تست مواد مخدر دانش آموزان می تواند در راستای پیشگیری و به عنوان بخشی از یک استراتژی جامع پیشگیری استفاده شود. تست مواد مخدر کار آمد است زیرا نشانگر درک انگیزه های جوانان می باشد. برای اغلب جوانان فقط علم به اینکه هر لحظه امکان خواستن آنها برای تست وجود دارد کافی است که مواد مخدر مصرف نکنند و یا اصولا به طرف سوء مصرف نروند. دولت، متعهد به ارایه ابزار مورد نیاز به خانواده ها است تا آنها بتوانند محیطی دور از مواد مخدر را برای تحصیل فرزندان شان مهیا کنند. در این راستا، دولت بخشی از بودجه برنامه های جامعه و مدارس عاری از مواد مخدر را به اهدای وام های بلا عوض به مدارس تخصصی می دهد که برنامه های تست مواد مخدر را که شامل تامین خدمات درمانی برای دانش آموزان مصرف کننده می باشند، به اجرا می گذارند. برای سال مالی ۲۰۰۴، درخواست ۸ میلیون دلار برای آزمایش تست مواد مخدر ارایه گردیده که شامل اقدامات انجام شده در سال ۲۰۰۳ توسط وزارت آموزش و پرورش نیز می شود.

نگاهی از میان غبار

سوء مصرف ماری جوانا و اختلاف نظر در مورد اعتیاد به آن

هیچ تحلیلی در زمینه موادمخدر بدون بحث در مورد ماری جوانا کامل نیست، ماده‌ای که امروزه چنان در مدارس گسترده شده است که نزدیک به نیمی از فارغ التحصیلان دبیرستانی معترف به مصرف آن هستند. پس از سال‌ها خنده به فیلم‌های قدیمی مربوط به ماری جوانا مانند فیلم "جنون سیگار ماری جوانا" آمریکایی‌های بی‌شماری به این باور رسیده‌اند که اطلاعات مربوط به خطرات ناشی از مصرف حشیش مبالغه آمیز است. اما سوء مصرف حشیش باعث ایجاد علائم گوشه‌گیری شده و به ایجاد اختلال در یادگیری و حافظه می‌انجامد. در میان جوانان، امکان درگیری بدنی در شش ماه گذشته در میان مصرف کنندگان مستمر حشیش چهار برابر بیشتر از دیگر جوانان بوده است. بر اساس گزارش مجله پزشکی انگلیس، مصرف روزانه ماری جوانا، خطر افسردگی و اضطراب در میان زنان را پنج برابر افزایش می‌دهد.

شکل ۷: افزایش صعودی پذیرش نوجوانان و جوانان در مراکز اورژانس به دلیل مصرف ماری جوانا



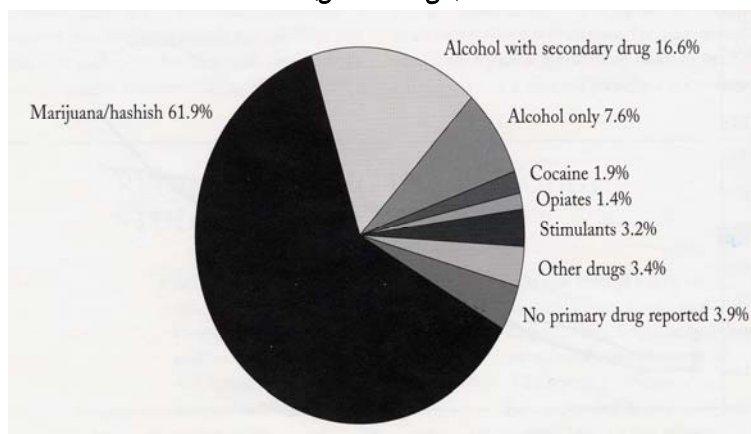
منبع: شبکه هشداردهی سوء مصرف موادمخدر (۲۰۰۱)

خطر تنها متوجه مصرف کنندگان نیست. ماریجوانا پر مصرف ترین مواد مخدر در میان زنان باردار و دختران در سن بلوغ است. تحقیقات اخیر شاهد اختلالات حرکتی، رفتاری و شناختی در نوزادانی است که در دوران جنینی در معرض ماریجوانا قرار گرفته بودند. چنین اختلالاتی شامل پیدایش اثرات کم کاری در بخش هایی از مغز است که کنترل احساسات و هوشیاری را به عهده دارند. در بعضی جوامع تا حدود ۲۰٪ از نوزادان قبل از تولد در معرض تدخین ماریجوانا توسط مادرها بوده‌اند.

به علاوه تحقیقات نشان می‌دهند که مصرف ماریجوانا اعتیادآور است. طبق اطلاعات جمع آوری شده توسط سازمان بهداشت و خدمات اجتماعی، در میان ۵/۶ میلیون آمریکایی که طبق معیارهای بالینی نیاز به درمان دارند (معیارهای سازمان روانکاوی آمریکا، نه پلیس و یا دادستانی) ۶۲٪ مصرف کننده و یا معتاد به حشیش هستند. این افراد مصرف کنندگان تفننی حشیش نیستند. اینها افرادی با مشکلات واقعی مرتبط با ماریجوانا از جمله مشکل سلامتی، مشکل روحی و مشکل عدم توانایی در قطع مصرف بوده‌اند.

اغلب والدین بی اطلاع هستند که ماری جوانای امروز با ترکیب کشت پیچیده و فنون پرورش آن با ماریجوانای نسل قبل متفاوت است. در سال ۱۹۷۴ براساس اطلاعات جمع آوری شده توسط اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا، متوسط THC ماری جوانا کمتر از یک درصد بود. ۲۵ سال بعد این رقم به ۷ درصد و برخی نمونه‌های آن به ۳۰ درصد رسید. تحقیقات اخیر منتشر شده در مجله پزشکی انگلیس، نشانگر ۱۵ برابر افزایش در محتوای THC است. این مجله نتیجه گرفته که ممکن است مصرف کنندگان نوین ماری جوانا با دزهای THC به مراتب بزرگتری نسبت به نمونه‌های مشابه آن در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رو به رو شوند. همچنین این مجله نتیجه گرفته که این حقیقت، بسیاری از چیزهایی که ما زمانی درباره خطرات و پیامدهای مصرف ماری جوانا می‌دانستیم را بی‌اعتبار ساخته است.

شکل ۸: درصد پذیرش برای درمان به تفکیک اولین ماده مصرفی (سن ۱۷-۱۲ سال)



منبع: مجموعه اطلاعات درمانی (۲۰۰۰)

موضوع درمان مواد مخدر به طور مفصل در فصل بعد تشریح خواهد شد. اما نتایج آن مبرهن است. بیش از ۶۰ درصد جوانانی که تحت درمان قرار می گیرند به دلیل مشکلات مربوط به ماری جوانا به دنبال درمان هستند و تقریباً چهار برابر افزایش در شمار پذیرش معتادان به ماری جوانا بین سال های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۰ مشاهده می شود.

نکات مهم در خصوص بودجه

- اداره خدمات بهداشت روانی و سوء مصرف مواد مخدر (SAMHSA) - ابتکار درمان رییس جمهور + ۶۰۰ میلیون دلار طی سه سال رییس جمهور تعهد کرد ۱/۶ میلیارد دلار به سیستم درمان معتادان طی پنج سال اضافه کند. به عنوان بخشی از این تلاش ها، بودجه سال مالی ۲۰۰۴ شامل ۲۰۰ میلیون دلار کمک مالی است که در قالب کمک های غیر مستقیم برای درمان اعتیاد و سایر خدمات حمایتی ارایه می شود. افراد نیازمند درمان، صرف نظر از اینکه کجا هستند - بخش های فوریت های پزشکی، کلینیک

های درمانی، سیستم عدالت کیفری، مدارس و اجتماعات مذهبی - ارزیابی مبتنی بر شواهد نیازهای درمانی را دریافت خواهند کرد و فیش هایی برای هزینه درمان به آنها داده خواهد شد.

- دفتر برنامه های دادگستری - برنامه دادگاه های مواد مخدر : ۶۸ میلیون دلار
اداره مواد مخدر پیشنهادی مبنی بر افزایش ۱۶ میلیون دلاری برنامه های دادگاه های مواد مخدر در سال مالی ۲۰۰۳ را ارایه داد. این امر موجب افزایش دادگاه های مواد مخدر و تقویت برنامه های آنها از طریق گسترش حیطه فعالیت هایشان خواهد شد و به بهبود کیفیت خدمات دادگاه های مواد مخدر خواهد انجامید. همچنین زمینه اشاعه اطلاعات مربوط به نتایج برنامه های دادگاه های مواد مخدر فراهم خواهد آمد. دادگاه های مواد مخدر موفق با استفاده از نفوذ دادگاه برای اجبار افراد به ترک اعتیاد و ایجاد تغییر در رفتار آنها سعی می کنند به جای حبس از جایگزین هایی همچون آزمایش اعتیاد اجباری، درمان و برنامه های پس از درمان را بیابند.

- موسسه ملی سوء مصرف مواد مخدر (NIDA): ۳۵ /۶+ میلیون دلار
این افزایش پیشنهادی بودجه، موسسه NIDA را قادر خواهد ساخت تعهدات خود را تحقق بخشد، کارهای تحقیقاتی مشترک با همکاری سایر موسسات ملی وابسته به سازمان های بهداشت انجام دهد و به اقدامات ابتکاری برای پیشبرد درمان و پیشگیری مبادرت نماید. پروژه های NIDA جهت تحقق اهداف کاهش تقاضا که مورد نظر رییس جمهور است، شامل ابتکار تحقیقاتی پیشگیری ملی، شبکه آزمایش های کلینیکی درمان اعتیاد، و راهکارهای درمان مبتنی بر تحقیق در مورد مجرمان معتاد است.

فصل دوم درمان معتادان در آمریکا

تامین منابع درمان بر حسب ضرورت

در سال ۱۸۵۴، دکتر جان اسنو^۱ با کشف بیماری وبا که در حال گسترش در لندن بود، تحولی عظیم در بهداشت عمومی ایجاد کرد. در یک محله، تعداد مرگ و میرها به ۵۰۰ مورد در ده روز رسید. اسنو این موارد را مشخص کرد و دریافت که این بیماری از پمپ آب "خیابان بورد" ناشی شده و که مردم مبتلا از آنجا آب مورد نیاز خود را تامین کرده اند. اسنو دسته پمپ را در آورد و این بیماری همه گیر مهار شد. علم پزشکی با استراتژی اسنو که مبتنی بر جلوگیری از عوامل شیوع بیماری بود، متحول شد. همان منطق می تواند به ما کمک کند با بیماری شایع امروز "سوء مصرف مواد مخدر و اعتیاد" مقابله بکنیم.

تحقیقات پزشکی یک واقعیت محض را درباره مصرف مواد مخدر آشکار ساخت: وقتی این بیماری آغاز شود به یک بیماری ذهنی مخرب مبدل می گردد که عواقب آن چیزی جز تشویق فرد بیمار به مصرف بیشتر نیست. جوانی که ببیند چگونه یک معتاد در خیابان تلوتلو می خورد و نیروی خود را از دست می دهد، خواستار چنین عاقبتی برای خود نیست. و باز هم بیماری گسترش می یابد زیرا عوامل سرایت، معتادان خیابان نیستند بلکه مصرف کنندگانی هستند که هنوز عواقب اعتیاد به مواد مخدر خود را نشان نداده اند. سال گذشته، حدود ۱۶ میلیون آمریکایی ماهانه ماده مخدر غیر قانونی مصرف کرده اند در حالی که ۶/۱

1-Jon Snow

میلیون آمریکایی نیازمند درمان بودند. مابقی که هنوز در ماه غسل دوران اعتیاد به سر می بردند کسانی هستند که بیماری را به دیگران که فقط ظاهر قضیه را می نگرند، انتقال می دهند. کارشناسان درمان گزارش می کنند که مصرف کنندگان جدید قادر هستند هم نشینان خود را به رفتار جدیدی که در پیش گرفته اند، سوق دهند.

به کارگیری اصول بهداشت عمومی

الگوی بهداشت عمومی سه درس کلیدی در خصوص سیاست مواد مخدر را به ما می آموزد. نخست، همان طور که در فصل قبل به آن پرداخته شد، جوانان باید درباره ظواهر فریبنده مواد مخدر آموزش ببینند. مصرف مواد مخدر یک چیز را نوید می دهد اما چیز دیگری را تحویل می دهد، چیزی حزن انگیز و مخرب برای مصرف کنندگان، خانواده های آنان و جوامع آنها. سر خوردگی ناشی از آن برای مدتی پنهان می شود و در همین دوران است که عادت مصرف توسط مصرف کنندگان به سایر جوانان آسیب پذیر انتقال داده می شود.

درس کلیدی دوم در خصوص الگوی بهداشت عمومی است و این مربوط به کسانی است که هنوز در دوران "ماه غسل" هستند. این درس نتایج مهمی در مقوله درمان اعتیاد دارد. عدم ارایه درمان مناسب در این بخش باعث می شود که حجم بالایی از افراد خواهان کمک، تحت تاثیر روش های ناکارآمد قرار بگیرند. برای بسیاری از مصرف کنندگان، از جمله اکثریت غالب گروه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال، پاسخی خوش بینانه به مصرف مواد مخدر توسط آنها، دلیلی برای ماندن در مراکز درمانی نیست بلکه نشانگر این مطلب است که آیا در حقیقت نیاز به کمک وجود دارد یا خیر.

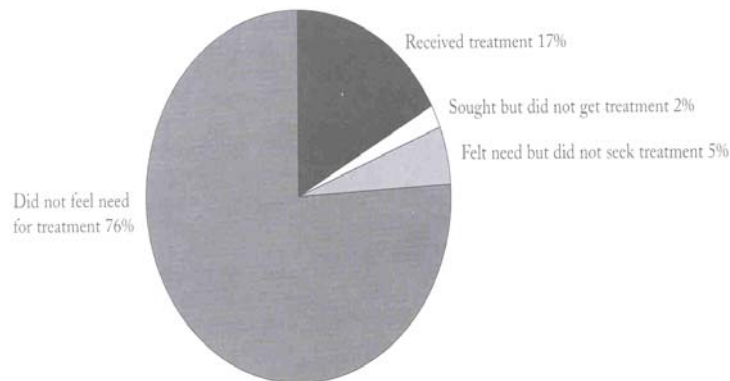
درس سوم شامل کسانی است که مصرف آنها آن قدر پیشرفت کرده که نیازمند درمان هستند اما به طور جدی جویای درمان نیستند، زیرا حتی بهترین برنامه درمانی نیز نمی تواند به آنها کمک کند. بر اساس تحقیقات به عمل آمده توسط اداره خدمات انسانی و بهداشتی، اکثر مصرف کنندگان مواد مخدر که نیازمند درمان هستند، این حقیقت را رد می کنند (شکل ۹). این حقیقت برای کسانی

که یکی از عزیزان آنها با اعتیاد دست به گریبان است، چندان تعجب آور نیست. از حدود پنج میلیون نفری که در سال ۲۰۰۱ نیازمند درمان بودند ولی به سراغ آن نمی‌رفتند، کمتر از ۸ درصد احساس می‌کردند نیاز به درمان دارند.

منطق کنونی درباره درمان اعتیاد، مبتنی بر این نکته است که مشکل‌ترین کار، ارایه درمان به کسانی است که ولگرد و بی‌جا و مکان هستند - کارایی خود را از دست داده است زیرا سخت‌ترین موارد عملاً مربوط به کسانی است که هرگز دیده نشده‌اند. درس سوم الگوی بهداشت عمومی شامل نیاز اساسی برای تشویق مردم به طی دوره درمان است. مشکل این بخش آن است که با دید به بیماری پرداخته شود که ویژگی اصلی آن انکار است.

رفع "خلاء انکار" نیازمند آن است که ما به عنوان یک ملت، فضایی ایجاد کنیم که در آن آمریکایی‌ها صادقانه و مستقیم با پدیده اعتیاد برخورد کنند و بدین نحو افراد نیازمند درمان را به طی دوره درمان تشویق کنیم. این شکل از اجبار که با عطف همراه است با همکاری خانواده‌ها، دوستان، همکاران و اجتماع آغاز می‌شود. این امر همچنین نیازمند حمایت موسسات و اداره کنندگان آنها - مجریان قانون، اجتماعات مذهبی، ارایه دهندگان خدمات درمانی - برای شناسایی و هدایت افراد نیازمند کمک به درمان اعتیاد است. در عین حال، این کار نیازمند استفاده از فنون بدیع برای مبارزه با اعتیاد نظیر داروهای خاص است. (بوپرونورفین در اکتبر ۲۰۰۲ به عنوان دارویی که می‌تواند برای مبارزه با اعتیاد به مواد افیونی مورد استفاده قرار گیرد، تایید شد. این نخستین داروی مخدر بود که از آن برای درمان اعتیاد به مواد افیونی استفاده می‌شود و پزشکان آن را تجویز می‌کنند).

شکل ۹: اغلب افراد نیازمند به درمان اعتیاد، مبادرت به درمان نمی نمایند
مجموع افراد نیازمند به درمان = ۶/۱ میلیون نفر



منبع: ارزیابی ملی خانواده ها پیرامون سوء مصرف مواد مخدر (۲۰۰۱)

هر چند اغلب کسانی که به مواد مخدر اعتیاد دارند، وابستگی خود را انکار می کنند اما یک خبر نوید بخش این است که بیش از یک میلیون آمریکایی هر ساله درمان را سپری می کنند و حرکت به سمت بهبودی و شفا را آغاز کرده اند. ما آنها را به دلیل شهادتشان در پا پیش نهادن و استمداد طلبیدن تحسین می کنیم. متأسفانه برآورد شده است که حدود ۱۰۱۰۰۰ نفر از کسانی که هر ساله در خواست کمک می کنند نتوانسته اند درمان مورد نیاز خود را بیابند. آنها یک نیاز عاجل دارند و هنگامی که این نیاز اجابت نشود در همان مسیرهای پیشین گام می نهند و ممکن است دیگر به سراغ درمان نیابند. برای پرداختن به این نیاز مهم، امسال ما برنامه جدیدی را با بودجه ای معادل ۶۰۰ میلیون دلار برای سه سال اجرا می کنیم که دستیابی به درمان اعتیاد را تقویت و مسوولیت پذیری در سیستم درمان را ارتقا می بخشد. برای کسانی که فاقد حمایت درمان خصوصی هستند، تضمین خواهیم کرد که متخصصان بخش فوریت های پزشکی مراکز درمانی، کلینیک های درمانی، سیستم عدالت

کیفری، مدارس، و پزشکان خصوصی نیازهای درمان را ارزیابی کنند و در همان زمان کوپن تامین هزینه درمان آنها را صادر نمایند. این کوپن‌ها قابل تجدید بوده و به گونه‌ای هستند که امر درمان را تضمین کنند. این خدمات می‌توانند از معتادان جوان قبل از اعتیاد بیشتر تا خدمات درمان سرپایی و درمان بستری را شامل شود. برای بار نخست ما راهی را برای درمان مصرف‌کننده ارایه می‌کنیم.

راه کمک در تمام برنامه‌هایی که زندگی افراد را نجات می‌دهد از جمله برنامه سازمان های خیریه، مناسب، آشکار و بدون تبعیض است. از طریق این برنامه جدید، ما تضمین می‌کنیم که کوپن‌های درمان برای کلیه افرادی که تمایل دارند به سازمان های مذهبی برای کمک مراجعه کنند در دسترس قرار داده شوند. هدف ما این است که شفا و بهبودی را آینده تمام کسانی بسازیم که با اعتیاد مبارزه می‌کنند.

تغییر زندگی: استفاده از قدرت ایمان

در Union Gospel Mission در پورتلند، زنان و مردان بی خانمان می‌توانند به غذا، پوشاک و پتو دسترسی داشته باشند. مردمی که از درهای این مرکز عقیدتی می‌گذرند همچنین می‌توانند فرصتی برای تغییر زندگی خود از طریق "تغییر سبک زیستن" که یک برنامه ویژه درمانی است، بیابند. برنامه "تغییر سبک زیستن" در سال ۱۹۹۵ توسط بیبل راسل، دادستان پیشین، بنا نهاده شد و از آن زمان ۶۲ نفر این برنامه را گذراندند. هر چند برنامه های درمان اعتیاد نوعاً ۹۰ روز طول می‌کشد، اما زمان طولانی تر "تغییر سبک زیستن" آن را به ۳۲ نفر در یک زمان معین محدود می‌سازد، معهداً، توسعه آن به ۸۰ تخت مد نظر است. نزدیک به یک سوم کسانی که در برنامه هستند توسط قضات و متصدیان آزادی مشروط به برنامه "تغییر سبک زیستن" راهنمایی شده‌اند.

هر چند اعضای "تغییر سبک زیستن"، در طول برنامه، دسترسی مستقیم به پول ندارند اما کاری را برای امرار معاش می‌یابند. آنها تمام وقت در فروشگاه Union Gospel Mission کار می‌کنند، جایی که دو سوم بودجه برنامه از آنجا تامین می‌شود. ساکنان آنجا نیز به افراد بی خانمان کمک می‌کنند. یکی از پرسنل وضعیت را چنین شرح می‌دهد: "وقتی در برنامه هستید انتظار می‌رود چیزی را جبران کنید. شما باید تمام بدی‌هایی که در مدت اعتیاد در حق خانواده و جامعه خود روا داشته‌اید، جبران سازید." علاوه بر کاری که آنها انجام می‌دهند ساکنان آنجا در کلاس های درس و همچنین طرح Bible شرکت می‌کنند و به مسایلی می‌پردازند که در اعتیاد آنها نقش داشته است.

افراد مقیم به تدریج سطوح بالاتر مسوولیت را در برنامه "تغییر سبک زیستن" کسب می‌کنند. این برنامه علاوه بر تحصیل، شرکت‌کنندگان را از مهارت های شغلی و آموزش های فنی حرفه‌ای بهره مند می‌سازد. همچنین افراد مقیم دوران حرکت به سمت کار تمام وقت و زندگی مستقل را طی می‌کنند. برنامه تغییر سبک زیستن یک برنامه عقیدتی است که اجرا می‌گردد.

پایان بخشیدن به دوران "ماه عسل"

دیدگاهی جدید در باره درمان کوتاه مدت

تقریباً ۱۲ میلیون مصرف‌کننده کنونی مواد مخدر که مصرف آنها منجر به اعتیاد کامل نشده است، آینده‌ای مبهم پیش روی دارند. احتمال فرو غلتیدن آنها در اعتیاد از یک در سه تا حدود یک در ده را شامل می‌شود. یک امر مهم از دیدگاه بهداشت عمومی ضرورت زایل ساختن پیام مخربی است که مصرف‌کنندگان غیر معتاد برای دیگران می‌فرستند. روندی رو به توسعه به سمت درمان‌های کوتاه مدت در این مقوله نویدبخش است.

یک فرد معتاد به مواد مخدر معمولاً بارها در سیستم‌های درمانی و دادگستری دیده می‌شود. این امر ممکن است در مورد مصرف‌کننده‌ای که فاقد نشانه بیماری است و مصرف آن مبرهن نیست مصداق نیابد زیرا ممکن است ماه‌ها و سال‌ها طی شود و سپس در حادثه‌ای مثل یک سانحه اتومبیل یا مصرف مفرط (Overdose) یا دستگیری، مسایل وی عیان شود.

یک شیوه نویدبخش برای برقراری ارتباط با افراد در این گروه، استفاده از زیرساخت‌های پزشکی موجود است - که تجارب زیادی در شناسایی مشکل افراد الکلی دارند - برای نشان دادن مصرف مواد مخدر در بخش فوریت‌های پزشکی و یا مراقبت‌های اولیه که هر ساله اتفاق می‌افتد.

اکثر کسانی که به عنوان مصرف‌کننده مواد مخدر شناخته شده‌اند با یک مشکل روبه‌رو هستند، مشکلی که تا حد نیاز به پذیرش در یک مرکز درمان پیچیده نشده است. این افراد احتمالاً به یک مداخله کوتاه، از یک گفتگوی پنج دقیقه‌ای اصولی گرفته تا چند جلسه مشاوره، پاسخ می‌دهند. درجه آموزش حرفه‌ای لازم برای انجام این تدابیر با قدرت و حدت افزایش می‌یابد، اما بیشتر آنها می‌توانند در مطب پزشک یا در اداره خدمات اجتماعی بیمارستان همراه شوند.

در حالی که ارجاع برای ارزیابی کامل و درمان برای برخی افراد مد نظر است، تدابیر کوتاه‌مدت وقتی می‌توانند کاملاً موثر باشند که توسط مرجعی برای یک

مصرف کننده لحاظ شوند. تحقیقات اخیر که با حمایت اداره خدمات بهداشت روانی و سوء مصرف مواد مخدر در چارچوب مطالعات پیرامون درمان جوانان مصرف کننده حشیش انجام گرفت نشان داد که درمان های کوتاه مدت به ویژه در خصوص مراجعه کنندگان با درجه مصرف غیر مزمن بسیار موفق هستند. همان طور که می توان تصور کرد، صرف جویی در هزینه ها در مقایسه با جایگزین سم زدایی بعد از یک اقامت طولانی برای درمان اساسی است. البته بسیاری از معتادان مشکلات جدی تری دارند که شامل اختلالات روانی و مزاجی دیگر است. این اختلالات به گونه ای منفی روی یکدیگر اثر می گذارند: معتادان اغلب با مشکلات روانی رو به روهستند و این در حالی است که افراد دارای اختلالات روانی بیشتر گرایش به مصرف مواد مخدر دارند تا سایر مردم. اختلالاتی که با یکدیگر مرتبط بوده و هم زمان بروز می کنند گریبان گیر افراد زیادی می شوند و کار امداد رسانی و درمان آنها را دشوار می سازند. در نتیجه برخی از سیستم های درمانی کشوری به سمت توجه به افرادی که با هر دو نوع اختلال رو به روهستند، حرکت می کنند.

برنامه های موثر:

آزمایش پزشکی، مداخله کوتاه مدت و ارجاع به مراکز درمان

جان دو، ۴۵ ساله، پس از یک سانحه رانندگی در بخش فوریت های پزشکی بستری می شود. آنچه پزشکان هنگام ورود او به بیمارستان از آن بی اطلاع بودند این بود که او کوکائین و ماری جوانا مصرف می کرد. در بسیاری بیمارستان ها، پزشکان کاری فراتر از درمان جراحات انجام نمی دهند و در نتیجه فرصت برای مداخله زودهنگام و اصلاح رفتاری که ممکن است به ضررهای بیشتری منجر شود را از دست می دهند.

در بیمارستان مرسی اسکریپس در سان دیاگو وضع بدین گونه نیست. در آنجا برنامه آزمایش پزشکی، مداخله کوتاه مدت و ارجاع به درمان (SBIR) در چندین مرحله اجرا شده است از جمله در بخش فوریت های پزشکی، واحد کمک های اولیه و بخش روان درمانی. در مرسی اسکریپت، جان دو توسط یک متخصص و مربی بهداشت در بخش فوریت های پزشکی مصاحبه شد. این مصاحبه که اساسا هدف از آن آزمایش مصرف الکل و مواد مخدر جان بود با مراقبت معمول پزشکی ارتباط دارد و تعیین می کند که آیا آقای دو با مشکل مصرف الکل و مواد مخدر رو به رو است یا نه.

وقتی مشخص شد که آقای دو مشکل دارد، یک مصاحبه کوتاه پنج دقیقه‌ای توسط پزشکان در بخش فوریت‌های پزشکی انجام شد. اگر تشخیص داده شود که آقای دو نیاز به برنامه طولانی‌تری دارد، به یکی از بخش‌های درمان ارجاع داده می‌شود.

جان دو مانند بسیاری از مصرف‌کنندگان مواد مخدر در ایالات متحده آمریکا به عنوان کسی که معتاد نیست و مواد مخدر مصرف نمی‌کند، شناخته شده است. (همان‌طور که انجمن روانکاوای آمریکا اعلام نمود، اعتیاد به مواد مخدر - که مشخصه آن مشکلات بهداشتی مهم، مشکلات عاطفی، مشکل در ترک مصرف مواد مخدر، سهل‌انگاری نسبت به سوء مصرف، لاقیدی و سایر علائم است جدی‌تر از سوء مصرف مواد مخدر است) برنامه کوتاهی که آقای دو طی کرد توسط پزشکانی اجرا شد که جراحات او را درمان کردند و ممکن است وی را از ادامه مصرف بازدارند.

متأسفانه به رغم شواهد فزاینده دال بر کارایی این برنامه، بسیاری از بخش‌های کمک‌های اولیه، بخش‌های فوریت‌های پزشکی و مراکز روان‌درمانی در سراسر کشور آن را با مراقبت‌های درمانی تکمیل نمی‌کنند. به عبارت دیگر، جان دو فقط برای جراحات جسمیش تحت مداوا قرار گرفت و به خانه فرستاده شد اما مشکل فزاینده سوء مصرف مواد مخدر او نادیده گرفته شد.

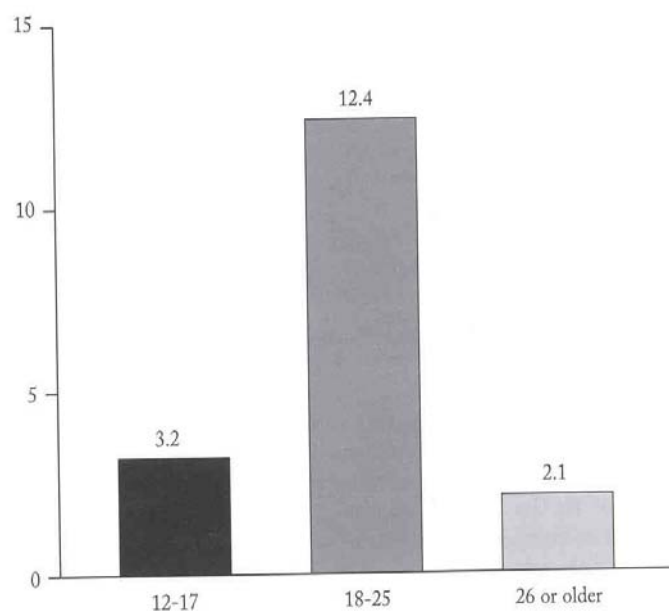
رانندگی تحت تاثیر مواد مخدر

به مرور زمان، درمان‌های کوتاه مدت باید به دست اندرکاران درمان امکان بدهد، که از طریق سایر موسساتی که با آنها تماس مستمر دارند به ویژه محیط کار و آموزشگاه‌ها با مصرف‌کنندگان غیر معتاد ارتباط برقرار کنند و به آنها کمک‌های مقتضی را برسانند. مصرف‌کنندگانی که هدف چنین برنامه‌هایی قرار می‌گیرند جزء خوش‌شانس‌ترین افراد هستند. بسیاری از افراد قبل از آنکه توجه سیستم درمانی به آنها جلب شود در جاده‌های کشور به خود و دیگران آسیب می‌رسانند.

آن دسته از طرفداران قانونی کردن مواد مخدر که می‌گویند مصرف مواد مخدر "قربانی ندارد"، هنگامی که با مصیبت خانواده‌ای روبرو می‌شوند که یکی از والدین یا یکی از فرزندان آنها به دلیل مصرف ماریجوانا یا مواد مخدر دیگر توسط راننده‌ای در حادثه رانندگی جان خود را از دست می‌دهد، هیچ منطقی برای استدلال نمی‌یابند. مشکل واقعی است، تحقیقات نشان داده که در سال ۲۰۰۱ حدود هشت میلیون راننده پس از مصرف مواد مخدر پشت فرمان

اتومبیل نشسته‌اند و این مشکل به ویژه بین رانندگان جوان جدی‌تر است (شکل ۱۰).

شکل ۱۰: شیوع روز افزون تخلفات رانندگی ناشی از مصرف مواد مخدر در بین جوانان^۱
(درصد تخلفات رانندگی تحت تاثیر مواد مخدر)



بیش از دو دهه قبل، گروهی از مادران دلشکسته انجمنی را تشکیل دادند که به انجمن **مادران مخالف با رانندگی به هنگام مستی (MADD)** معروف شد که تلاش‌های خستگی ناپذیر آنها - به همراه کوشش‌های اداره راهنمایی و رانندگی در بزرگراه‌های کشور - منجر به ۴۳ درصد کاهش در تعداد مرگ و میرهای ناشی از حوادث رانندگی مرتبط با استعمال مشروبات الکلی گردید.

۱-منبع: ارزیابی ملی خانواده‌ها پیرامون سوء مصرف مواد مخدر (۲۰۰۱)

گزارش های اخیر در باره رانندگی تحت تاثیر مواد مخدر

اگرچه گروه هایی همچون MADD در خصوص تاثیرات مواد مخدر بر حرفه رانندگی متمرکز هستند اما در حال حاضر سیستم مطمئنی که رانندگان معتاد را مشخص نماید و آنها را پیش از قربانی کردن زندگی افراد بی گناه راهی مراکز درمانی نماید، وجود ندارد. با عنایت به اینکه بیش از نیمی از تماس های مردم و نیروهای انتظامی در هنگام ایست و بازرسی رخ می دهد، لذا مجهز ساختن پلیس به ابزار مناسب برای تایید مصرف مواد مخدر یک فرصت استثنایی برای امن تر ساختن جاده ها و معرفی مصرف کنندگان به مراکز درمانی است.

یکی از ابزارهای تحقق این هدف، برنامه "تخصص شناسایی مواد مخدر" (DRE) است که افسران پلیس را در خصوص شناسایی مصرف مواد مخدر آموزش می دهد. اهمیت این برنامه بدان دلیل است که بسیاری از رانندگان که مواد مخدر هم مصرف کرده اند متوقف می شوند اما چون نشانه ای دال بر مصرف نوشیدنی های الکلی در آنها دیده نمی شود، رها می شوند. آموزش DRE بیشتر بر سرنخ های رفتاری متمرکز است تا علائم مصرف مواد مخدر. بدین ترتیب رانندگان متخلف به راحتی شناسایی و از جاده ها خارج و به مراکز مناسب درمانی معرفی می شوند. مشکل اصلی این برنامه آن است که تعداد بسیار اندکی از رانندگانی که مواد مخدر مصرف کرده اند در ایست و بازرسی های معمولی شناسایی می شوند. تحقیق پیرامون فناوری های شناسایی و کشف مواد نشان می دهد که می توان از ابزاری که به کمک آنها و با تنفس راننده مصرف مشروبات الکلی مشخص می شود، برای شناخت مصرف مواد مخدر نیز استفاده کرد. مرکز ارزشیابی فناوری های شناسایی مواد مخدر ONDCP یک برنامه تحقیقاتی را تامین بودجه می نماید که به سرعت و به وضوح به ماموران پلیس نشان می دهد که راننده ای مواد مخدر مصرف کرده یا خیر. این مرکز برای انجام این تحقیق طی سه سال آینده مبلغی حدود ۱/۵ میلیون دلار سرمایه گذاری خواهد کرد.

کاهش بازگشت به ارتکاب جرایم از طریق دادگاه های مواد مخدر

دولت افزایش ۱۶ میلیون دلاری کمک دولت فدرال به برنامه دادگاه های مواد مخدر در سال مالی ۲۰۰۴ را پیشنهاد کرده است. دادگاه های مواد مخدر از اختیارات قضات خود برای برنامه های مورد نظر استفاده می نمایند. می توان گفت برنامه هایی همچون دادگاه های مواد مخدر، تنها راه دور ساختن معتادان از بازگشت مجدد به اعتیاد هستند. در حال حاضر برنامه هایی از این دست، به عنوان یکی از مهم ترین ابتکارهای موجود به شمار می روند.

یافته های جدید پژوهشی حاکی از آنند که دادگاه های مواد مخدر در کاهش بازگشت به جرایم کارآمد هستند. گزارش اولیه "موسسه ملی عدالت" به نام "برآورد نرخ بازگشت به جرایم در دادگاه های مواد مخدر" که برگرفته از وضعیت بیش از ۲۰۰۰ مورد آزادی افراد در ۱۰۰ دادگاه مواد مخدر است، نشان می داد که نرخ بازگشت به جرایم در سال نخست پس از آزادی ۱۶/۴٪ و در سال دوم ۲۷/۵٪ بوده است. آمار افرادی که به دلیل ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر به زندان افتاده اند، در این دو سال به ترتیب ۴۳/۵٪ و ۵۸/۶٪ بوده است. چنین نتایجی موید این هستند که ایده دادگاه های مواد مخدر از نخستین بار که در سال ۱۹۹۱ و در استراتژی ملی ریاست جمهوری در قبال کنترل مواد مخدر مطرح شد، پیشرفت های زیادی داشته است. در آن زمان تنها ۶ دادگاه مواد مخدر وجود داشت. هم اکنون این تعداد به ۹۴۰ دادگاه رسیده است.

پیگیری وضعیت افراد در دادگاه موادمخدر سینسیناتی (Cincinnati)

دان اسمیت^۱، یک وکلرد ۳۲ ساله است که به دلیل در اختیار داشتن کوکابین و آمفتامین دستگیر شده است. او بارها و بارها در زندگی خود به دلیل ارتکاب جرایم مشابهی دستگیر شده اما این نخستین بار است که او در سینسیناتی^۲ دستگیر می شود. در دادگاه مواد مخدر بخش هامیلتون^۳، این امکان در اختیار او قرار گرفت تا به صورت قانونی یک زندگی عاری از مواد مخدر را دنبال کند. پس از آنکه متخصصان بالینی مرکز تایید کردند که دان معتاد به مواد مخدر است، او نزد قاضی کیم بروک فرستاده شد. سپس او به یک مرکز درمانی فرستاده شد تا درمان خود را که شامل ۹۰ روز بستری

1- Dan Smith
2- Cincinnati
3- Hamilton

شدن، ۶ هفته درمان سرپایی و ۱۲ ماه مراقبت مستمر بود، پشت سر بگذارد. قاضی بروک به دقت مراجعین دادگاه موادمخدر را زیر نظر می‌گیرد و ماهانه حدود ۴۰۰ نفر از آنها را ملاقات می‌نماید. کلید موفقیت دادگاه موادمخدر، مثبت و در عین حال قاطعانه بودن آن است. قاضی بروک می‌گوید: «هنگام تهیه گزارش‌های مربوطه، افسر تحقیق، یک مشاور و دادستان حضور دارند. بنابراین هیچ کس نمی‌تواند بگوید افسر تحقیق یا مشاورم گفت این کار را نکنم.»

مدت زمانی که دان مشغول گذراندن دوره ترک اعتیاد به مشروب و مواد مخدر است، به عنوان دوره زندانی بودن او تلقی نمی‌شود. این برنامه متکی بر این موضوع است که دان می‌داند هر هفته از او آزمایش مواد مخدر به عمل خواهد آمد و اگر ثابت شود که مواد مخدر مصرف کرده باید انتظار عواقب سخت تری را داشته باشد. قاضی بروک در این خصوص می‌گوید: «اگر آزمایش فردی مثبت باشد به سرعت، حداکثر تا روز بعد، به پرونده او خواهم پرداخت. بازگشت به اعتیاد بخشی از آن چیزی است که با آن مقابله می‌نماییم. معهدا آنها می‌دانند که اگر تست آنها مثبت باشد، باید مدتی را در زندان بگذرانند. این امر یعنی اینکه آنها به سرعت عواقب شدید کار خود را خواهند دید.»

این برنامه در ۴۹ ایالت فعال است و ۴۴۱ دادگاه دیگر در مرحله برنامه‌ریزی قرار دارند. اهداف کلیدی این برنامه برای سال‌های آتی عبارتند از افزایش تعداد دادگاه‌های مواد مخدر، افزایش نرخ ترک اعتیاد و دستیابی به نتایج و اطلاعاتی معتبر در خصوص دوره پس از انجام این برنامه.

نکات مهم در خصوص بودجه

اداره مبارزه با موادمخدر (DEA)، ابتکار اهداف دارای اولویت: ۳۹+ میلیون دلار این طرح شامل ۳۲۹ سمت سازمانی برای اجرای طرح DEA در خصوص مقابله ملی با تهدیدات ناشی از مواد مخدر غیرقانونی است. اولویت این ابتکار هدف قرار دادن سازمان‌های قاچاق مواد مخدر است که در تولید و توزیع مواد مخدر و همچنین انحراف پیش‌سازهای شیمیایی مورد استفاده در تولید این مواد دست دارند.

برنامه یگان ویژه مقابله با جرایم سازمان یافته (OCDETF)

بودجه سال مالی ۲۰۰۴ که مطابق با بودجه وزارت دادگستری است، زیرساخت بودجه این برنامه را تشکیل می‌دهد. به علاوه، این بودجه شامل منابعی برای تقویت برنامه‌ها و ابتکارات ذیل است:

- ابتکار فهرست یکپارچه سازمان‌های هدف (CPOT): ۲۶+ میلیون دلار این طرح شامل ۱۲۹ سمت سازمانی برای ایجاد و توسعه تحقیقات مربوط به فهرست CPOT دادستان کل است. بودجه درخواستی در اختیار کارگزاران،

تحلیلگران و همکاران دادستان های کل ایالات متحده که در این زمینه فعالند قرار خواهد گرفت.

• **ابتکار ردیابی های الکترونیکی: ۲۲+ میلیون دلار**

این طرح به کمک فناوری یگان ویژه ردیابی تروریست های خارجی باعث ایجاد توانمندی های الکترونیکی در گردآوری، تحلیل و انتشار اطلاعات تحقیقاتی خواهد شد. این توانمندی در شناسایی ارکان سازمان های مندرج در فهرست CPOT دادستان کل، اهمیت ویژه ای خواهد داشت.

• **ابتکار مالی و تطهیر پول: ۱۰+ میلیون دلار**

این برنامه شامل ۸۳ سمت سازمانی جهت افزایش تحقیقات مالی و تطهیر پول OCDEF می باشد. این برنامه، هزینه تحقیقات مالی از جمله گردآوری اطلاعات، تدوین اسناد و عملیات های صوری را تامین می نماید.

وزارت امور خارجه، ابتکار مبارزه با مواد مخدر در منطقه آندین: ۷۳۱ میلیون دلار

سال مالی ۲۰۰۴ نیازمند حفظ بودجه برای حمایت از برنامه های مختلف کلمبیا، پرو، بولیوی و منطقه آندین است. این ابتکار شامل منابعی برای برنامه های انتظامی و سایر تلاش های مرتبط با امنیت در مناطق تولیدکننده مواد مخدر، کاهش محصولات مخدر، توسعه جایگزین، ایجاد نهادهای ذیربط، اجرای عدالت و برنامه های حقوق بشر است. برای کلمبیا، این بودجه شامل طبقه بندی های گسترده از جمله مصادره اموال، کمک به عملیات های مختلف و برنامه های ریشه کنی محصولات است. این کار نیازمند برنامه های بشردوستانه، اجتماعی، اقتصادی و توسعه جایگزین است که توسط سازمان توسعه بین المللی ایالات متحده اجرا می شود.

وزارت دفاع، افزایش کمک به کلمبیا: ۲۵+ میلیون دلار

این برنامه ۲۵ میلیون دلار را به بودجه ۱۱۶ میلیون دلاری فعالیت های مبارزه با مواد مخدر در کلمبیا اضافه می نماید. این کمک اضافی صرف برنامه های مختلفی می شود که یک برنامه متحد علیه تروریسم و مواد مخدر را شامل

می‌شود. این برنامه‌ها عبارتند از آموزش مبارزه با مواد مخدر برای واحدهای زمینی و هوایی کلمبیا، آموزش و اقدامات کمکی برای پلیس ساحلی و افزایش توانمندی‌های اطلاعاتی، بازرسی و اکتشافی.

فصل سوم نابودی بازار

هدف قرار دادن ریشه اقتصادی تجارت مواد مخدر

استراتژی کنترل مواد مخدر بر رابطه میان عرضه و تقاضای مواد مخدر تاکید دارد زیرا این رابطه‌ای است که در رفتار معتادان به خوبی مشهود است. معهدنا، حتی معتادان مواد مخدر نیز به خوبی از قیمت و خلوص موادی که مصرف می‌کنند مطلع هستند و می‌توانند تقاضایشان را با شرایط بازار همخوان سازند. بنابراین این امر نباید تعجب‌آور باشد؛ معتادان مجبورند تمام درآمد خود را صرف مواد مخدر غیرقانونی نمایند و این در حالی است که افزایش قیمت‌ها در بازار موادی همچون هرویین و کوکائین و کیفیت نامطمئن آنها باعث می‌شود که مصرف‌کنندگان دیگر نتوانند بیش از این پول قرض کنند یا دست به سرقت بزنند. مصرف‌کنندگان، مواد مخدر به عوامل بازار واکنش نشان می‌دهند، زیرا تجارت مواد مخدر به خودی خود یک بازار سودآور است هرچند که موانع متعددی در آن وجود دارد. برای اینکه تجارت مواد مخدر را یک بازار بدانیم باید چالش‌های موجود و درس‌های برگرفته از تجارب قبلی را مد نظر قرار دهیم. تجارت مواد مخدر عاملی نیست که به خودی خود متوقف شود بلکه یک مجموعه سودآور است که مزایا و مضرات خاص خود را دارد. هر اقدامی که هزینه تجارت مواد مخدر را بیشتر و سود آن را کمتر سازد، گامی در راستای نابودی این بازار خواهد بود. اما اگر تجارت مواد مخدر نوعی فعالیت تجاری تلقی شود، گام بعدی باید بررسی روش کاری آن و یافتن فعالیت‌ها و

بخش های آسیب پذیر آن باشد که می توان چه در داخل و چه در خارج مورد حمله قرار داد. این فعالیت ها و بخش ها عبارتند از منابع کشاورزی تجارت مواد مخدر، ساختار مدیریتی آن، سیستم های پالایش و حمل و نقل، منابع مالی و تصمیم گیری های سازمانی آن. هر یک از اینها از جمله عوامل موثر در این بازار هستند. برای کاهش این فعالیت ها، باید بخش هایی که قاچاقچیان در آنها سرمایه گذاری های مالی و زمانی کرده اند و به سودهای هنگفتی دست یافته اند را مشخص و آسیب پذیرترین بخش های آن را مورد هدف قرار داد. وقتی این بخش های آسیب پذیر مشخص شدند و مورد هدف قرار گرفتند، آنگاه کارایی این نوع تجارت و سرمایه گذاری های قاچاقچیان محو شده و از میان خواهد رفت.

هزینه های تجارت مواد مخدر عبارتند از هزینه های صنعتی — کشاورزی (شامل نیروی کار، کشت، پالایش، حمل و نقل، ارتباطات، انبارسازی، عمده فروشی و توزیع) و همچنین هزینه هایی که به دلیل غیرقانونی بودن این فعالیت ها رخ می دهند (همچون نیاز به تطهیر عواید حاصله، پرداخت رشوه و پذیرفتن خطر درگیری ها و خطرات دیگری همانند دستگیر شدن، لو رفتن یا مرگ).

نابود ساختن بازار داخلی

همچنان که دولت ها با چالش های عینی و اضطراری مجازات مجرمان و جمع آوری مواد مخدر از خیابان ها مواجهند، تمرکز ما باید بر هدف قرار دادن تجارت مواد مخدر به عنوان یک کسب و کار باشد و باید تا آنجا که می توان هزینه این نوع تجارت را بالا برد. ما باید با استفاده از شیوه های جامع تر، هزینه های قاچاقچیان را افزایش دهیم و اجازه ندهیم که تجارت مواد مخدر خود را احیا کند و مجدداً سر و شکل بگیرد. در بعد داخلی باید تمرکز جدید ما بر درآمدهای غیرقانونی ناشی از تجارت مواد مخدر باشد و بدانیم که قاچاقچیان فقط به دنبال پول درآوردن هستند. برنامه یگان ویژه مبارزه با جرایم سازمان یافته وزارت دادگستری (OCDETF) یک عامل عمده در انجام این نوع

تحقیقات ملی است. این برنامه که در سال ۱۹۸۲ آغاز شده است، منابع مالی دولت فدرال را بر متلاشی ساختن و نابودی سازمان های مهم قاچاق مواد مخدر و فعالیت ها های پول شویی آنان متمرکز ساخته است. همچنین این برنامه، چارچوبی را برای نهادهای انتظامی فدرال، ایالتی و محلی فراهم آورده تا با کمک یکدیگر سازمان های مهم و معروف را که در تامین مالی تجارت مواد مخدر و جرایم مرتبط با آن دخالت دارند، هدف قرار دهند.

در سال های گذشته، و در راستای استراتژی حمله به بخش های آسیب پذیر قاچاقچیان، از جمله تطهیر پول، وزارت دادگستری OCDEF و ۹ سازمان عضو خود را موظف ساخت تا در مورد مهم ترین سازمان های قاچاق مواد مخدر که اقدام به توزیع بیشترین حجم مواد مخدر در ایالات متحده نموده اند، دست به تحقیقات حقوقی و مالی بزنند. برای سال مالی ۲۰۰۴، دولت افزایش ۷۲ میلیون دلاری نسبت به بودجه سال قبل را برای برنامه OCDEF پیشنهاد نموده است. این پیشنهاد شامل هماهنگ ساختن این برنامه با سه نهاد ذیربط یعنی وزارتخانه های دادگستری، دارایی و حمل و نقل است. هدف از این کار افزایش مسوولیت پذیری، هماهنگی و تمرکز این برنامه است. نکته مهم تر آن است که ۷۳ میلیون دلار بودجه در اختیار بخش تحقیقات جنایی سازمان خدمات درآمدهای داخلی قرار خواهد گرفت که نسبت به بودجه سال مالی ۲۰۰۳، هفت میلیون دلار بیشتر است. هدف از این کار تمرکز خاص بر تحقیقات پیچیده تطهیر پول است.

یکپارچه ساختن اقدامات

داستان های مربوط به همکاری بسیاری از سازمان های رقیب انتظامی برای دستگیری یک قاچاقچی تنها در قصه ها وجود دارد و در واقع چنین هماهنگی هایی به ندرت دیده می شوند. یکی از انتقادهای وارده به نهادهای انتظامی، عدم وجود همکاری در میان آنها برای حمله به اهداف قاچاقچیان است. به منظور نابودی بازارها و حمله به بخش های خاص، باید دارای چنین

تمرکزی باشیم و از حوزه و ماهیت این بازار درک شفاف و روشنی داشته باشیم. در حال حاضر و به دلیل همکاری نزدیک میان اداره مبارزه با مواد مخدر ایالات متحده، اداره تحقیقات فدرال، بخش عملیات های تخصصی، و وزارت دادگستری ما دارای چنین همکاری هایی هستیم و برای نخستین بار توانسته ایم فهرستی جامع از اهداف قاچاقچیان را تهیه نماییم. فهرست سازمان شناسایی اهداف دارای اولویت (CPOT)، باعث اتحاد و یکپارچگی اقدامات نهادهای فدرال شده است. این فهرست شامل فعالیت های نهادهایی است که در تهیه آن نقش دارند. برنامه شناسایی مناطقی که قاچاقچیان در آنجا حضور فعالی دارند و توسط ONDCP اجرا می شود ۲۸ منطقه را در سرتاسر کشور شامل می شود. بودجه این برنامه در سال مالی ۲۰۰۲، ۵/۷ میلیون دلار بوده است. این برنامه در سال ۱۹۹۰ آغاز شده و هدف آن تمرکز تلاش های انتظامی بر جدی ترین خطرات ناشی از قاچاق مواد مخدر است. اما ارزیابی های ریاست جمهوری در خصوص اختصاص بودجه آن در سال مالی ۲۰۰۴ نشان می دهد که این برنامه نتوانسته به نتایج مورد نظر دست یابد و بخش زیادی از تمرکز آن از میان رفته است. طی سال گذشته، این برنامه فقط بر سازمان های قاچاق مواد مخدر، توزیع کنندگان عمده و کنترل اهداف، متمرکز بوده است. از سوی دیگر، این برنامه تمرکز خود بر تطهیر پول و جرایم مالی مرتبط با فعالیت ها سازمان های قاچاق را افزایش داده و در زمینه روش های تحقیقات مالی به پرسنل کلیدی انتظامی آموزش می دهد. در سال ۲۰۰۳، این برنامه به افزایش تمرکز خود بر امور تحقیقاتی از جمله در مورد سازمان های مندرج در فهرست CPOT و هدف قرار دادن راس هرم سازمان های قاچاق ادامه خواهد داد. این امر شامل توسعه مستمر و روزآمد ساختن شبکه اطلاعاتی برنامه خواهد بود. در این بخش می توان سهم نیروهای انتظامی فدرال، ایالتی و محلی را پرداخت. یکپارچه ساختن اقدامات انتظامی در سال های آتی نیز ادامه خواهد یافت و امنیت مرزی را نیز شامل خواهد شد. ایجاد واحد امنیت داخلی (DHS)، که فعالیت ها و منابعش مجزا از نهادهایی همچون سازمان گمرکات، گارد

ساحلی و کنترل مرزی است، توانایی ما برای شناسایی و ردیابی افراد مظنون و همچنین ورود غیرقانونی به ایالات متحده را افزایش خواهد داد. همچنین سیستم های ضدتروریستی DHS در بنادر ورودی، توانایی ما جهت سرکوب جریان مواد مخدر غیرقانونی را افزایش خواهند داد.

اقدامات جدید برای جلوگیری از درآمدهای غیرقانونی

آمریکایی ها سالانه بیش از ۶۳ میلیارد دلار صرف مواد مخدر غیرقانونی می نمایند و این پولی است که باید تطهیر شود تا برای قاچاقچیان قابل استفاده باشد. لذا خوب است که سازمان های قاچاق موادمخدر مورد هدف قرار بگیرند و جلوی درآمدهای حاصل از جرایم آنها گرفته شود. در واقع، تحقیقات تطهیر پول کلید شناسایی چنین سازمان هایی در گام نخست است. اقدامات مبارزه با تطهیر پول نقش به سزایی در بی ثبات ساختن سازمان های قاچاق و محدود کردن قدرت آنان دارند. کارشناسان انتظامی فرآیند تطهیر پول را به سه مرحله تقسیم کرده اند:

- تزریق پول های غیرقانونی به نظام مالی: در صورتی که پول موادمخدر به صورت اسکناس پرداخت شود، نیاز به تحقیق در این مورد الزامی است. اسکناس بی نام است اما مخفی کردن آن دشوار است، نقل و انتقال آن زمان می برد و جلب توجه می نماید.
- واریز کردن پول ها به حساب های بانکی، برای مخفی کردن منشا آنها و نشان دادن آنها به صورت وجوه مشروع. تطهیرکنندگان می توانند در مدت کوتاهی این پول ها را میان کشورها و موسسات مالی انتقال دهند.
- یکپارچه ساختن پول ها، به طوری که تنها توسط قاچاقچیان استفاده شود که آنها را به دست آورده اند و از آنها یا به عنوان ثمره جرمشان استفاده می کنند یا اینکه مجددا آنها را در کارهای غیرقانونی سرمایه گذاری می نمایند.

تطهیرکنندگان در مرحله نخست بیشترین آسیب‌پذیری را دارند. استراتژی دولت ایالات متحده هم در بعد قضایی و هم در بعد انتظامی، هدف قراردادن تزریق پول‌های غیرقانونی به نظام مالی است. (اختیارات جدید اعطا شده طبق لایحه PATRIOT این امکان را به دولت می‌دهد که در دو مرحله دیگر نیز دست به فعالیت بزند).

انتقال‌دهندگان پول، دلالان، واسطه‌ها، نقدکنندگان چک‌های بانکی، و ارایه‌دهنده‌گان خدمات مالی در برابر تطهیرکنندگان سازمان یافته آسیب‌پذیر هستند. مقررات جدید و تشدید قوانین کیفری، ابزار جدیدی را برای متوقف کردن تطهیر پول در اختیار نهادهای انتظامی و قضایی قرار داده است. از جمله این مقررات می‌توان به الزامی شدن ثبت شرکت‌های ارایه‌دهنده خدمات مالی و گزارش فعالیت‌ها، های مشکوک و همچنین اتخاذ مجازات‌های روشن در قبال نقض قوانین و مقررات اشاره کرد. وزارت دادگستری، وزارت دارایی و وزارت کشور با همکاری سایر نهادهای ذیربط انتظامی یک طرح جامع بلندمدت را برای حمله به گروه‌های تطهیرکننده پول که از امتیازات نظام مالی بهره می‌برند، به اجرا در خواهند آورد.

پنج بازار مواد مخدر غیر قانونی

در ایالات متحده پنج بازار مواد مخدر غیرقانونی به شرح ذیل وجود دارد:

- بیش از ۱۰ هزار تن ماری‌جوانای داخلی و بیش از ۵۰۰۰ تن ماری‌جوانای کشت و برداشت شده در مکزیک و کانادا که نیاز بیش از ۲۰ میلیون نفر مصرف‌کننده را تامین می‌کند.
- بیش از ۲۵۰ تن کوکائین که بخش اعظم آن در کلمبیا تولید و از طریق مکزیک و کشورهای حوزه دریای کارائیب حمل می‌شود و نیاز بیش از ۵ میلیون نفر مصرف‌کننده را تامین می‌کند.
- بیش از ۱۳ تن هرویین تولید شده در مکزیک، کلمبیا و آسیا که از طریق تجارت هوایی یا کشتی حمل شده و به مصرف بیش از یک میلیون نفر می‌رسد.
- بین ۱۰۶ تا ۱۴۴ تن متامفتامین تولید شده در مکزیک و ایالات متحده که به مصرف ۱/۳ میلیون نفر می‌رسد.
- حدود ۸ تن اکستاسی تولید شده در هلند و بلژیک که از طریق هوا و دریا حمل شده و نیاز بیش از ۳ میلیون نفر مصرف‌کننده را تامین می‌کند.

متلاشی ساختن بازارهای خارجی

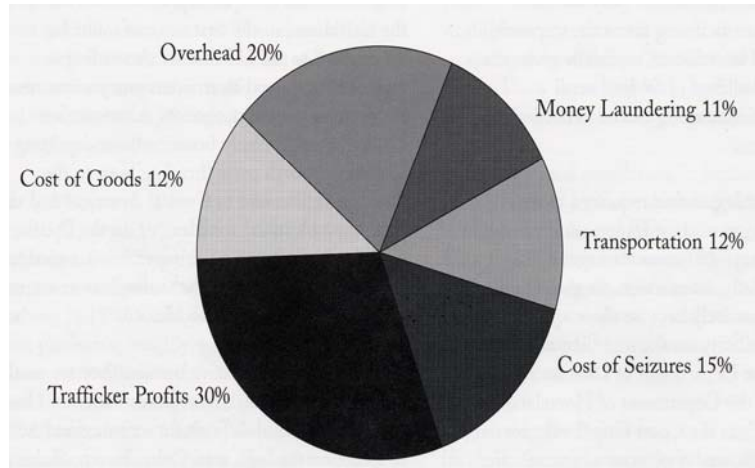
یک سیاست متوازن و کارآمد نیازمند یک برنامه خاص برای کشف و ردیابی است تا مواد مخدر را نایاب، گران و کیفیت آن را نامطمئن سازد. کارشناسان معتقدند که به دو دلیل چنین وضعیتی در حال حاضر ناکارآمد است:

اول؛ با توجه به وجود میلیون ها مایل اقیانوس (هزاران مایل مرز و میلیون ها محموله در کشتی ها) نیروهای کشف کننده مواد مخدر باید در همه جا حضوری اثربخش داشته باشند.

دوم؛ کارشناسان بر این عقیده اند که تجارت مواد مخدر آنچنان سودآور است که همیشه توسط قاچاقچیان یا کودکان خیابانی و یا سایر مردم آماده عرضه می باشد و از طرف دیگر، کشف تنها ده درصد محموله های قاچاق مواد مخدر نمی تواند هیچ تاثیری بر بازار داشته باشد.

در حقیقت کارشناسان در هر دو مورد بنا به دلایل ذیل راه به خطا می برند: نخست اینکه گرچه تجارت مواد مخدر سودآور است، اما نشان دادن اینکه هر بخش از اصناف بازار برای جبران خسارات و صدمات وارده، توانایی نامحدودی دارند، سوء تفاهمی بیش نیست.

شکل ۱۱: هزینه های جانبی و درآمد حاصل از فروش کوکائین در مرزهای ایالات متحده آمریکا^۱



در سال ۲۰۰۱، دولت امریکا و طرف های متعاقد آن از حمل بیش از ۲۱ درصد کوکائین ترانزیتی به مقصد کشور امریکا جلوگیری کردند. علاوه بر آن، حدود ۷ درصد نیز در داخل مرزهای کشور کشف و ضبط گردید. در مجموع، ۳۵ تا ۵۰ درصد محموله های ترانزیتی به امریکا کشف گردید. که این رقم می تواند سود قاچاقچیان را کاهش دهد، مگر آنکه قاچاقچیان قیمت کوکائین را افزایش دهند و یا آن را به بازارهای دیگری غیر از امریکا حمل نمایند. بر اساس ارزیابی به عمل آمده در خصوص سود تجارت مواد مخدر، قاچاقچیان بابت قاچاق هر کیلو گرم کوکائین به امریکا حدود ۴۵۰۰ دلار سود می برند (بر مبنای قیمت عمده فروشی هر کیلو گرم ۱۵۰۰۰ دلار)، (شکل ۱۱).

۱- نکته: تمام ارزیابی ها بر اساس بهترین برآوردهای حاصل از میانگین های صنعتی هستند. ممکن است هزینه های هر سازمان متفاوت باشد. با میانگین قیمت فروش هر کیلوگرم مواد مخدر به ازای ۱۵۰۰۰ دلار در مناطق ارزی ایالت متحده، قاچاقچیان ۴۵۰۰ در هر کیلوگرم درآمد کسب می کنند. این آمار که نمایانگر میانگین سود قاچاقچیان یا ضرر آنها به دلیل کشف مواد است دو عامل مهم را نشان می دهد: ۱- قاچاقچیان کلمبیا مالکیت کوکائین در مرز امریکا را در اختیار دارند. ۲- آنها تملک خود را به همتایان مکزیکی خود واگذار کرده اند.

قاچاقچیان هزینه‌های گزافی را اعم از تهیه مواد خام، پول شویی، تهیه هواپیما، قایق و هزینه‌های جانبی دیگر از قبیل دادن رشوه متحمل می‌گردند. حتی اگر همه چیز طبق برنامه پیش رود، گروه‌های کلمبیایی بایستی ۴۰ درصد محموله‌های کوکابین خود را در اختیار قاچاقچیان مکزیکی قرار دهند تا موافقت آنها را برای قاچاق ۶۰ درصد مابقی محموله از طریق مرزهای مکزیک به مقصد امریکا جلب نمایند. قوم نگاری شهری که در اوایل دهه ۱۹۹۰ در خصوص اقتصاد دلان سطح خیابانی انجام گرفته بود به همان نتایج در مورد سودآوری رسیده بود: کودکان خیابانی که با کار کردن در مک دونالد ساعتی ۵ دلار درآمد داشتند، امروزه با پرداختن به کوکابین حداقل درآمد را به دست می‌آورند. اما در پاسخ به اینکه چرا انتقادات کارشناسان در خصوص امکان ناپذیری توقف کامل، به ویژه شناسایی و کشف محموله‌های کوچک در مرزهای گسترده یا در اقیانوس‌های بیکران نادرست است، بایستی به شیوه‌های تحمیل بیش از پیش خسارت بر بازار موادمخدر، نگاه نزدیک تری بیاندازیم. ممانعت و بازدارندگی از قاچاق می‌تواند دقیقاً بر تجارت مواد مخدر خسارت وارد آورد زیرا سازمان‌های ذیربط اعم از وزارت دفاع و عوامل وزارت امنیت داخلی از قبیل گارد ساحلی به دنبال مراقبت از میلیون‌ها مایل از اقیانوس و یا هزاران کیلومتر مرز خاکی نیستند، بلکه به دنبال کار اطلاعاتی در پست‌های بازرسی طبیعی هستند.

اقدامات بازدارنده در کلمبیا

یکی از این اقدامات بازرسی، انجام گشت‌های دریایی در تمامی آب‌های ساحلی است. سالیانه بیش از ۷۰۰ تن کوکابین از امریکای جنوبی به مقصد ایالات متحده امریکا و اروپا صادر می‌گردد. ۵۰۰ تن از این مقدار در قالب محموله‌های دریایی غیر تجاری از طریق قایق‌های تندرو - که نیم‌الی دو تن کوکابین را در هر نوبت حمل می‌کنند - و قایق‌های ماهیگیری - با ظرفیت حمل چندین تن کوکابین در هر نوبت - قاچاق می‌گردد.

در یک عبارت ساده بایستی اذعان نمود که سالیانه ۵۰۰ محموله دریایی از ساحل کلمبیا به مکزیک و سپس به جزایر کاراییب و در نهایت به مرزهای امریکا قاچاق می‌گردد. در اقیانوس آرام، قاچاقچیان از طریق قایق‌های ماهیگیری، محموله‌های کوکائین را به سمت مکزیک انتقال می‌دهند. قایق‌های تندرو به خاطر حجم کوچک و امکان تخلیه و بارگیری آسان در هر نقطه دریایی و آبی، کاربرد فراوان در قاچاق کوکائین دارند. این در حالی است که نیروهای ذیربط مبارزه با قاچاق در زمینه استقرار در دریا مشکل دارند. قاچاقچیان کلمبیایی سرمایه‌گذاری چشمگیری در هر محموله‌ای که امریکای جنوبی را ترک کند، می‌نمایند. تخمین زده می‌شود، قاچاقچیان حدود ۳ میلیون دلار در هر قایق تندرو سرمایه‌گذاری کرده باشند. البته این سرمایه‌گذاری‌ها تضمین شده نیستند. قاچاقچیان مکزیکی برای قسمت دوم مسیر حمل، در برخی موارد یک بیمه نامه ابتدایی را با شرکت‌های مکزیکی، در قبال اخذ ۴۰ درصد وجوه کل محموله، منعقد می‌کنند که در صورت نابودی محموله در مسیر حمل، خسارات قاچاقچیان کلمبیایی را جبران نمایند. (این ترتیبات اثر سوء داشته و سبب گردیده تا به واسطه فروش کوکائین در داخل مکزیک، نرخ مصرف در این کشور شایع‌تر گردد). این در حالی است که در مسیر ترانزیت به مکزیک، کوکائین غیر قابل بیمه است و تملک و مسوولیت آن تنها بر عهده سازمان کلمبیایی است. ایالات متحده امریکا با دولت کلمبیا همکاری می‌کند تا منابع و امکانات مبارزه با مواد مخدر را در دریا و هوا از طریق ایجاد و به کارگیری زیرساخت‌های حساس و تقویت توانایی‌های مقابله‌ای کلمبیا در آب‌های ساحلی هدایت و رهبری نماید. با این شیوه، تنها به کشف محموله‌ها بسنده نخواهد شد بلکه با انجام تحقیقات و کارهای اطلاعاتی، سازمان‌های مهم فعال در قاچاق، شناسایی و فعالیت‌های آتی آنان پیش‌بینی خواهد گردید. تقریباً ۹۰ درصد محموله‌های کوکائین که به ایالات متحده امریکا قاچاق می‌شود، از کلمبیا نشات می‌گیرد و یا از طریق آن ترانزیت می‌گردد. علاوه بر آنکه کشت خشخاش در کلمبیا از صفر در سال ۱۹۹۰ به

۶۵۰۰ هکتار در حال حاضر، با ظرفیت تولید ۴/۳ تن هرویین خالص که می تواند سهم چشمگیری از نیازهای بازار مصرف امریکا را تامین نماید، افزایش یافته است. در راستای این تهدید جدی، اداره مبارزه با مواد مخدر ایالات متحده امریکا اداراتی را در کشورهای هم جوار به منظور تشکیل گروه ضربت علیه هرویین ایجاد کرده است. گروه مقابله با هرویین بوگوتا با پلیس ملی کلمبیا در خصوص شناسایی قاچاقچیان عمده فعال در قاچاق مواد مخدر به بازار مصرف امریکا همکاری خواهد نمود. صنعت مواد مخدر کلمبیا سازمان های تروریستی را که کشت، تولید و قاچاق کوکائین را در انحصار خود دارند، تغذیه می کند. دولت کلمبیا تخمین می زند سود حاصل از کوکائین، هزینه بیش از نیمی از خریدهای تسلیحاتی و همچنین نیازهای لجستیکی گروه های ترور را تامین می نماید. دولت امریکا از اقدامات دولت کلمبیا در مبارزه با قاچاق مواد مخدر و تروریسم حمایت می کند. کشت و تولید محصولات مواد مخدر در قسمت های شرقی آند، که صعب العبور و کم جمعیت بوده و دولت در آن حضور پررنگی ندارد، بیشتر به چشم می خورد.

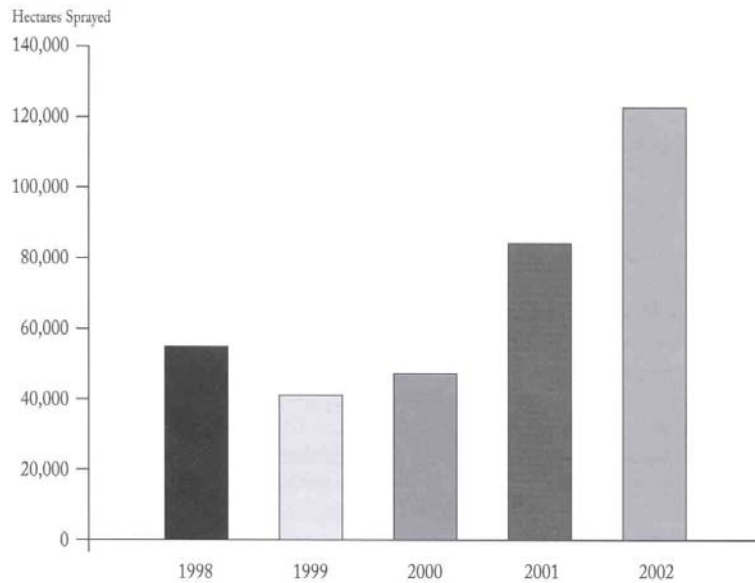
در مواجهه با این چالش بزرگ، در هشت ماه گذشته دولت کلمبیا پی برد که بین فعالیت های تروریستی سیاسی و جنایی، قاچاق مواد مخدر، فساد و ضعف موسسات دولتی ارتباط وجود دارد. با در نظر گرفتن این حقایق، رییس جمهور کلمبیا از اقدام علیه تجارت مواد مخدر و گروه های ترور حمایت می کند. بالاخص، جمعیت روستایی کلمبیا بارها و بارها مورد تعرض نیروهای مسلح غیر قانونی از قبیل ELN, FARC, AUC واقع شده اند. در یک شبیخون در ماه می سال گذشته، نیروهای شورشی FARC تعداد ۱۱۷ نفر از ساکنان Bojaya از جمله ۴۵ کودک را که به کلیسای محلی پناه برده بودند، به قتل رساندند. تحلیلگران بر این گمان هستند که شورشیان برای به دست گرفتن کنترل مجدد کریدور قاچاق دست به این اقدام زده اند. متاسفانه تراژدی Bojaya یک اتفاق تصادفی نبوده است. در سال ۲۰۰۱ تروریست ها بیش از ۳۰۰۰ نفر را به قتل رسانده و ۳۰۴۱ نفر را ربوده بودند. گروه های مسلح FARC, ELN و

AUC مسوول قتل ۲۰۰۰ نفر از جمله ۲۰۵ کودک سه سال به بالا هستند. AUC دو حقوقدان کلمبیایی را در سال گذشته به قتل رساند و FARC پنج حقوقدان و یک نامزد ریاست جمهوری و یک اسقف کاتولیک را ربوده بودند. این سه گروه تروریستی ۱۲ شهردار را نیز ترور کرده اند، گروه FARC تاکنون تعدادی را بر سر دو راهی انتخاب مرگ و یا استعفا تهدید کرده اند.

با انتخاب پرزیدنت اورایب^۱ به ریاست جمهوری کلمبیا، این کشور برنامه‌های کنترل مواد مخدر خود اعم از تخریب و انهدام سطح قابل توجهی از کشت کوکا، موارد تهاجم و یورش به گروه‌های جنایی و سازمان‌های تروریستی، وضع مقررات در مناطق جنگ‌زده و حمایت از حقوق و امنیت شهروندان را تشدید نموده است. بازگشت مقررات و قوانین به مناطق تحت کنترل تروریست‌ها و همچنین مناطق تحت کشت مواد مخدر غیرقانونی از جمله دستاوردهای مهم برنامه کنترل مواد مخدر کلمبیا تلقی خواهد شد.

با حمایت ایالات متحده آمریکا، دولت کلمبیا گروه ضربتی را متشکل از تعدادی بازجو، دادستان، کارشناس جرایم مالی، کارشناس تطهیر پول و حقوق بشر جهت کنترل مواد مخدر ایجاد کرده است. مقامات ذیربط کلمبیا و طرف آمریکایی آنها در مورد حمله به بازار ارز سیاه پزو و سیستم پول شویی (یکی از مکانیسم‌های مورد استفاده قاچاقچیان در انتقال عواید ناشی از قاچاق مواد مخدر به داخل سیستم پولی آن کشور) با همدیگر همکاری دارند.

شکل ۱۲: نابودسازی مزارع کشت کوکا در کلمبیا^۱



سم‌پاشی هوایی یکی از عناصر اصلی استراتژی کلمبیا در مبارزه با تجارت موادمخدر است. سم‌پاشی هوایی، برنامه‌ای با پتانسیل منحصر به فرد در متلاشی‌سازی تولید کوکابین قبل از ورود به قلمرو ایالات متحده امریکا به شمار می‌رود. جایگزینی کوکا به لحاظ هزینه‌های قابل توجه و عواید کمتر برای کشاورزان مقرون به صرفه نیست (زیرا علاوه بر دستمزد بالای کارگران حدود یک سال وقت لازم است تا جوانه کوکا برای درو آماده شود). براساس تحلیل وزارت دفاع، تخریب ۲۰۰ هزار هکتار کوکا، ۳۰۰ میلیون دلار هزینه در بردارد. به نظر می‌رسد دولت کلمبیا این وسعت کشتزار را در قسمت‌های حاصلخیز Putumayo و Caqueta در طول سال ۲۰۰۲ تخریب کرده و لیکن سم‌پاشی مکرر در ۱۲ ماه آینده در بیشتر مناطق برای ممانعت از کشت مجدد

نکته: آمارها نمایانگر کل زمین‌های تحت پوشش هستند.

۱- منبع: وزارت امور خارجه ایالت متحده

ضروری می باشد. ادامه حمایت‌های امریکا از کلمبیا برای حفظ این وسعت از سطح تخریب حیاتی است. در هر کجا که برای تخریب کشت اقدام گردد، برنامه‌های توسعه جایگزین، با حمایت دفتر توسعه بین‌المللی ایالات متحده جهت مقابله با اثرات مخرب آن بر اقتصاد محلی به اجرا گذارده می‌شود. حمایت امریکا بر توسعه جایگزین در مناطقی متمرکز خواهد بود که پروژه‌ها به لحاظ اقتصادی، خودکفا و حضور دولت در این مناطق جهت تولید محصولات قانونی و حاکمیت قانون تضمین شده باشد. اجرای پروژه‌ها کاملاً با اقدامات دولت کلمبیا در زمینه توسعه امنیت، اجرای پروژه‌های مبارزه با مواد مخدر و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی منطبق خواهد بود.

مرز آندین^۱

افزایش تقاضا نسبت به کوکائین در اروپا و آمریکای لاتین و همچنین تشدید برنامه‌های کنترل مواد مخدر در کلمبیا سبب گردیده تا در پرو و بولیوی کشت و تولید کوکا، با قیمت بالا، گسترش یابد. دولت‌های جدید این دو کشور، علاوه بر مواجهه با ضعف اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی در چالش با کاهش تولید مواد مخدر با مشکلات جدی روبرو هستند.

اقتصاد پرو و بولیوی از حرکت کند اقتصاد جهانی و وخامت اقتصادی بازارهای صادراتی سنتی در برزیل و آرژانتین رنج می‌برد. این به نوبه خود بر توسعه جایگزین و اشتغال آسیب رسانده است. در برخی مواقع قاچاقچیان، دول مشروع را از طریق درخواست‌های غیرقانونی تحت فشار قرار می‌دهند. این گونه اقدامات، نهادهای دموکراتیک را به واسطه افزایش فساد و خشونت - راهی که کلمبیا از سال‌ها پیش با آن مواجه است - آسیب پذیر می‌کند. در پرو، دولت Toledo با چالش‌های مهمی همانند بازسازی نهادهای دموکراسی در یک جو بی‌اعتمادی عمومی روبروست. در حالی که پرو حضور امنیتی خود را در برخی مناطق تحت کشت کم‌رنگ‌تر نموده و برنامه‌های کنترل مواد مخدر را به

1- The Andean Ridge

حالت تعلیق در آورده، تروریست های Sendro Luminoso کشت کوکا را دوباره در مناطق تحت نفوذ خود در سطح وسیعی آغاز کرده‌اند. پرو بایستی با برنامه‌های قاطعانه جدید خود مانع از ظهور مجدد گروه تروریستی Luminoso و افزایش تولید کوکابین گردد. بولیوی نیز در اواسط یک دوره پر آشوب بسر می برد. در سال گذشته، گروه های رادیکال عملیات خشونت آمیز خود را آغاز کرده و خساراتی را به اقتصاد وارد و آن کشور را به چالش کشاندند. این گروه ها، از جمله پرورش دهندگان کوکا، فعالان بومی، معلمان و مصرف کنندگان شهری که در گذشته به دلیل داشتن اهداف متفاوت در مورد رهبری واحد اختلاف نظر داشتند، امروزه با همدیگر همکاری دارند. موضوعات و درخواست های قانونی مخالفان و گروه های سیاسی اقلیت توسط طرفداران کشت کوکا مورد سوء استفاده قرار گرفته است. البته اصلاح طلبان با نقطه نظرات شخصیت های سیاسی حاشیه ای معتقدند کشت و تولید کوکا سرنوشت محتوم بولیوی است، کاملاً موافق نیستند.

دولت سانچز دلزادا^۱ که قاطعانه از برخورد خشونت آمیز پرهیز نموده بود، امروزه تحت فشار قاچاقچیان موادمخدر است تا همانند دولت سابق، اشتغال در کشت کوکا را قانونی قلمداد نماید. به همین دلیل سطح زمین های زیر کشت کوکا در سال ۲۰۰۲ نسبت به سال ۲۰۰۱، حدود ۲۳٪ (تولید بالقوه ۶۰ تن کوکابین) افزایش یافته است. ایالات متحده در پیام خود به مقامات بولیوی مبنی بر انتخاب دو گزینه تخریب کشت یا چشم‌پوشی از حمایت های مادی و اقتصادی امریکا، شفاف عمل نمود.

مکزیک : در راه موفقیت

مکزیک بین تولید کنندگان کوکابین در مرز آند و مصرف کنندگان امریکا واقع شده است. در این منطقه سالیانه هزاران تن ماری جوانا، بیش از هفت تن هرویین و مقدار نامشخصی متامفتامین تولید می گردد. وضعیت در این منطقه

نسبت به سنوات قبل امیدوارکننده است. پرزیدنت فاکس^۱ در آغاز دوره ریاست جمهوری متوجه شد که در راستای تحقق ایده یک مکزیکی پرونق، کارتل های مواد مخدر، فساد و بی قانونی نباید جایی داشته باشند. او اقدامات مقابله‌ای جدی را علیه آنها با محوریت سازمان جنایتکار Arellano Felix به اجرا گذارد. وی همکاری انتظامی مکزیکی را با ایالات متحده امریکا به منظور مقابله با پیدایش مجدد اختلال و موسسات فاسد تقویت نمود.

چنین اقدامات شجاعانه‌ای، هزینه‌هایی را در بردارد. در فوریه سال ۲۰۰۱ در یک اتفاق مرتبط با مواد مخدر، مردان مسلح نقابدار ۱۵ نفر را به گروگان گرفته و ۱۲ نفر از آنها را به پشت یک کامیون بسته و به قتل رساندند. در نوامبر همان سال، دو قاضی فدرال مکزیکی و همسر یک قاضی دیگر به رگبار بسته شدند. یکی از این دو قاضی حکمی را علیه قاچاقچیان صادر کرده بود. پرزیدنت این اتفاق را "جرایم علیه کشور" تعبیر نمود. در یک اتفاق دیگر، قاچاقچیان مواد مخدر یکی از فرماندهان مبارزه با مواد مخدر را در بزرگراه به رگبار بستند. علیرغم همه این اتفاقات، دولت مکزیکی هنوز بر تصمیم قاطع خود در انهدام قاچاق بین‌المللی مواد مخدر در داخل قلمرو خود پایبند است.

از زمان تصدی پرزیدنت فاکس در دسامبر سال ۲۰۰۰ چهارده قاچاقچی اصلی دستگیر و حدود ۳۰۰ نفر از عوامل آنها از خیابان‌ها جمع‌آوری شدند. پلیس در ماه مارس سال گذشته عملیات خود را بر روی سازمان فلیکس، که یک سوم قاچاق کوکائین به بازارهای امریکا از طریق این سازمان قاچاق می‌گردد، متمرکز نمود و در نهایت موفق گردید بنجامین فلیکس، رهبر سازمان مذکور، را دستگیر و برادر وی را به قتل رساند. یک ماه بعد نفر دوم سازمان نیز دستگیر شد. در ماه سپتامبر، مسوولین ذیربط مکزیکی، فردی را که تجارت مواد مخدر شهر مکزیکو را به عهده داشت، بازداشت کردند.

در راستای اصلاحات سازمانی، دولت فاکس گام‌های اساسی از جمله تعیین واحد مبارزه با جرایم سازمان یافته از طریق جذب پرسنل جدید پس از

1- Fox

گذراندن موفقیت آمیز تست های دروغ سنجی و روانشناختی با هدف کاهش امکان نشت اخبار و اطلاعات را اتخاذ نموده است. در همین ارتباط، دادستان کل مکزیک "آژانس تحقیقات فدرال" را تاسیس کرد و برنامه ملی کنترل مواد مخدر مکزیک در ماه نوامبر سال ۲۰۰۲ انتشار یافت. بالاخره اینکه دولت فاکس (Fox) در برخورد با فساد در دولت و ارتش هیچ واژه‌ای از خود نشان نداده، به طوری که دو نفر از افسران ارشد ارتش را به اتهام کمک به تجارت مواد مخدر در نوامبر سال ۲۰۰۲ بازداشت، و ده ها نفر از پرسنل ارتش، پلیس فدرال و دادستانی را به اتهام انتشار اخبار و اطلاعات مربوط به فعالیت ها کنترل مواد مخدر در ماه اکتبر دستگیر نمود.

از سایر نشانه های مثبت دولت فاکس می توان به جریان پیوسته کشتار قاچاقچیان در زمانی که باندهای قاچاق برای کنترل بازار و مسیر ترانزیت با همدیگر رقابت می نمایند، اشاره داشت. چالش بزرگ دولت فاکس در خصوص تامین درخواست های عقب افتاده ایالات متحده امریکا مبنی بر استرداد مجرمین هنوز باقی مانده است. برای مبارزه با جریان انتقال مواد مخدر به مقصد ایالات متحده امریکا، تقویت نیروی انتظامی و لغو قانون بخشودگی، لازم می نماید.

حمایت و پشتیبانی ایالات متحده امریکا از اقدامات کنترل مواد مخدر مکزیک از طریق اهدای کمک های فنی و مادی اعم از برگزاری دوره های آموزشی، پشتیبانی از حملات و اجرای عملیات سازمانی جهت دستگیری قاچاقچیان مواد مخدر، مقابله با شست و شوی پول، ابتکارات مربوط به منع قانونی کردن ماری جوانا و کوکائین و تقویت و بسط کمک ها در زمینه تخریب کشت خشخاش و شاهدانه ادامه خواهد داشت.

افغانستان: بازسازی توانمندی های کنترل مواد مخدر

این کشور آشوب زده بلافاصله پس از واژگونی طالبان با کشت و تولید مجدد خشخاش و تریاک مواجه شد. گرچه سطح تولید افغانستان در مقایسه با اوج آن در سال های ۲۰۰۰-۱۹۹۶ پایین تر است، لیکن با افزایش اخیر در سطح کشت و تولید، عنوان بزرگ ترین تولید کننده مواد مخدر جهان دوباره به این کشور اعاده گردید. برآورد می گردد سطح تولید آن در سال ۲۰۰۲ بالغ بر دو برابر سطح تولید برمه - مهم ترین تولید کننده جهان - بوده باشد (شکل ۱۳).

در افغانستان پس از طالبان، محدودیت ها به ندرت می تواند افزایش یابد. به واسطه سرمایه گذاری جنگ سالاران محلی، تجارت مواد مخدر افغانستان به بی ثباتی سیاسی محلی تاثیر می گذارد. همچنین سود ناشی از تجارت مواد مخدر، دولت های سراسر جهان را به واسطه تامین نیازهای مالی سازمان های تروریستی نظیر القاعده مورد تهدید قرار می دهد. به این دلایل، ایالات متحده امریکا قویا از تلاش های چند جانبه جهت کاهش تجارت غیر قانونی تریاک و هرویین - که مجددا به افغانستان بازگشته است - حمایت و پشتیبانی می کند.

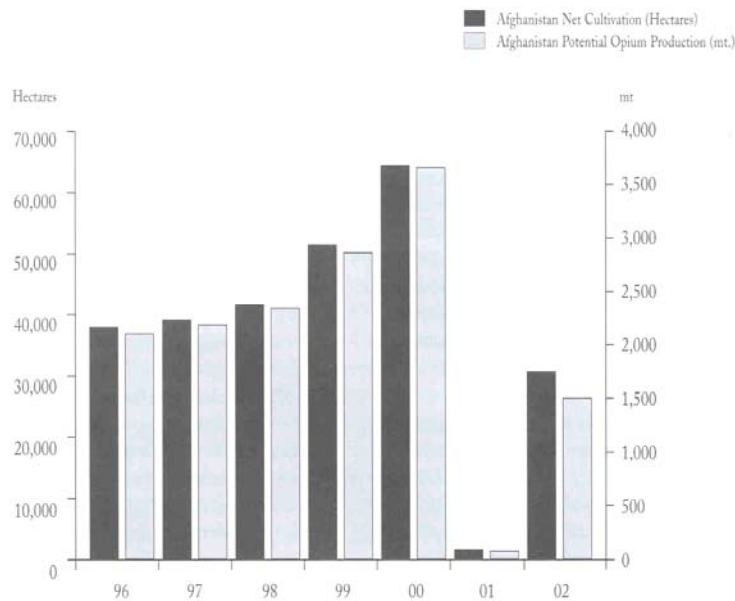
این تلاش های چند ملیتی مشتمل بر مشارکت اعضای گروه، به ویژه بریتانیا - که رهبری برنامه های مقابله ای با مواد مخدر را در افغانستان بر عهده دارد - می باشد. هدف تلاش های چند جانبه، کاهش اثرات بی ثبات کننده مواد مخدر غیر قانونی در افغانستان و در هم ریختن ارتباط بین تجارت مواد مخدر افغانستان و سازمان های تروریستی است. ما در پی آن هستیم تا به این اهداف از طریق ابتکارات بلند مدت که بر اساس آن، تجارت تریاک افغانستان متلاشی، فرصت های اقتصادی، کشت جایگزین و همچنین زمینه وضع قوانین مبتنی بر واقعیت و موثر فراهم خواهد گردید، دست یابیم. این استراتژی دو عنصر کلیدی دارد. نخست، از هم پاشیدگی فعالیت های قاچاقچیان مهم مواد مخدر از طریق اقدامات مقابله ای و انتظامی، اولین عنصر کلیدی است.

ایالات متحده امریکا توانایی‌ها و ظرفیت‌های مقابله‌ای کشورهای هم‌جوار افغانستان را جهت انسداد جریان مواد مخدر، مواد اولیه شیمیایی و توزیع مواد مخدر افزایش خواهد داد. دوم اینکه این استراتژی قطع تولید تریاک از طریق ابتکارات مربوط به رواج و گسترش محصول جایگزین و همچنین انجام اقدامات موازی مربوط به تخریب کشت را دنبال می‌کند. در انطباق با این اقدام بین‌المللی، ایالات متحده امریکا از ایجاد آژانس سیاستگذاری مواد مخدر و همچنین آژانس انتظامی مبارزه با مواد مخدر پشتیبانی کرده و برای تقویت موسسات قضایی با هدف بسط قانون تلاش خواهد نمود. پرسنل انتظامی و ارتش افغانستان جهت تامین امنیت منطقه‌ای و مرزی تحت آموزش قرار خواهند گرفت. این دو در گسترش دامنه کنترل دولت به مناطق عاری از قانون و تحت نفوذ تجارت غیر قانونی مواد مخدر حیاتی هستند.

هم‌زمان با این اقدامات، استراتژی‌های کوتاه مدت به منظور حذف و ریشه کنی فساد ناشی از مواد مخدر در دولت‌های محلی و مرکزی و ارتش آغاز خواهد شد.

ما با جامعه بین‌المللی و همچنین با سازمان‌های کمک‌کننده بین‌المللی جهت ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای تامین وسیله امرار معاش قانونی کشاورزان و کارگران از طریق ابتکاراتی نظیر تهیه جایگزین‌های اعطای اعتبارات، اعطای وام، معرفی و گسترش محصولات جایگزین قانونی و برنامه‌های پول در مقابل کار برای کارگران مهاجر مشارکت خواهیم داشت. تا آنجا که ممکن است برنامه‌ها بر پروژه‌ها متمرکز خواهند شد، تا زیرساختارهای خدمات آموزشی، بهداشتی، امنیت عمومی، اجتماعی، ارتباطات و حمل و نقل افغانستان را دوباره توسعه بخشند.

شکل ۱۳: میزان خالص کشت خشخاش و برآورد میزان بالقوه تولید تریاک در افغانستان ۱۹۹۶ لغایت ۲۰۰۲



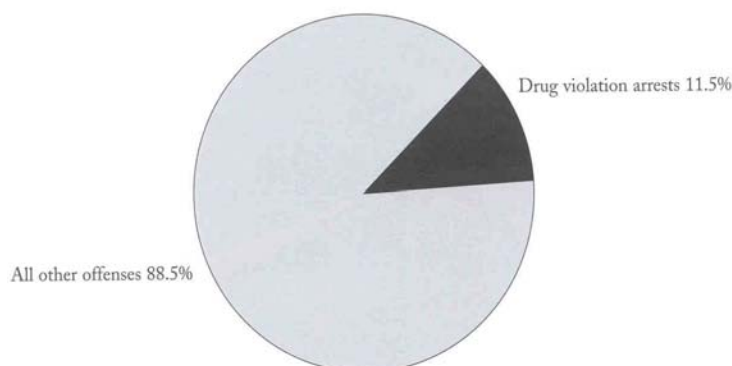
برای موفقیت در افغانستان، جامعه بین‌المللی بایستی تعهدات بلند مدت را هم در زمینه اقدامات مقابله‌ای علیه مواد مخدر و هم برای چالش گسترده جهت بازسازی افغانستان تقبل نماید. این فعالیت‌ها مشتمل بر تلاش‌های چند جانبه بین‌المللی خواهد بود که ایالات متحده آمریکا یکی از این شرکت‌کنندگان متعدد می‌باشد.

تحولات در اروپای غربی

بازار مواد مخدر غیر قانونی در سطح بین‌المللی گسترده است. امروزه تجارت جهانی کوکائین تا بازارهای مهم اروپا گسترش یافته است. همچنین مصرف

هرویین آسیا در سراسر اتحادیه اروپا گسترش یافته است. برای درک وضعیت بازار تجارت مواد مخدر بایستی فعالیت های این بازارها، که در صورت عدم کنترل، می تواند مانع اقدامات تحت رهبری امریکا برای متلاشی سازی تجارت مواد مخدر در این نیمکره باشد، لحاظ گردد. بدین ترتیب، ایالات متحده امریکا از نزدیک مناظره موجود بین کشورهای متعدد اروپایی را که به طور روز افزونی موضوع مواد مخدر را بیش از آنکه یک موضوع انتظامی تلقی نمایند، یک موضوع بهداشتی فرض می نمایند، دنبال می کند. هم چنان که قبلا به تفصیل بیان شد، یک نگاه عمیق در موضوع مواد مخدر دشواری روز افزون دو بعد آن را آشکار می سازد. واقعیت این است که برخی از کشورها ممکن است به طور روز افزونی با دو مشکل بهداشت عمومی و انتظامی در نتیجه سیاست های اتخاذ شده، مواجه باشند.

شکل ۱۴: نرخ دستگیری های مجرمین مواد مخدر در سال ۲۰۰۱ حدود ۱۱٪ مجموع دستگیری های کل جرایم بوده است



منبع: گزارش های جنایی یکسان شده

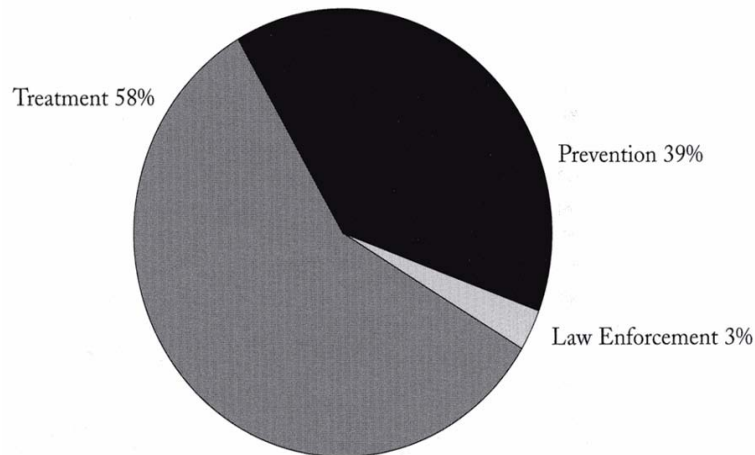
سیاست های قانون زدایی آن گونه که نیستند، مطرح می شوند. این در حالی است که این سیاست ها پاسخ بهداشت عمومی به معضل مواد مخدر نیستند.

این رویکردهای "مدارا" با سیاست "مجازات" موادمخدر در ایالات متحده در تقابل است. هم چنان که در گزارش رسانه‌ای اخیر انتشار یافت. "روند در اروپای غربی به سمت قانون‌زدایی از تمامی موادمخدر از جمله هرورین و کوکائین و تلقی مصرف مواد مخدر به عنوان یک موضوع بهداشتی تا یک جرم" پیش می‌رود.

در این بخش دو نوع تناقض دیده می‌شود:

اول اینکه گفته می‌شود سیاست ایالات متحده همواره مبتنی بر مجازات است اما این در حالی است که رقم دستگیری‌های مواد مخدر درصد پایینی از کل دستگیری‌ها را شامل می‌شود (شکل ۱۴) و میزان مبالغ اختصاصی به پیشگیری و درمان از دیگر کشورهای جهان بیشتر است (جرج بوش خواهان آن شده که بودجه درمان اعتیاد طی ۵ سال آتی به ۱/۶ میلیارد دلار افزایش یابد). تحقیقات پزشکی ایالات متحده در خصوص درمان و پیشگیری که توسط NIDA انجام شده، نشان می‌دهد که مبالغ اختصاصی به این نوع تحقیقات به مراتب بیشتر از تحقیقات انتظامی است (شکل ۱۵).

شکل ۱۵: هزینه‌های تحقیق و توسعه دولت فدرال برای درمان و پیشگیری (سال مالی ۲۰۰۴)



مجموعه به دلار امریکا: ۱۰۵۹ میلیون دلار

دومین تناقض آن است که گفته می‌شود این گونه رویکردهای کاهش آسیب^۱ ذاتاً رویکردهای بهداشت عمومی هستند. اگر سیاستی به مصرف مواد مخدر دامن بزند مسلماً نمی‌توان آن را به نفع عموم دانست. چنین چیزی امروزه در جرم ندانستن ماری جوانا دیده می‌شود. هر چه مواد مخدر در دسترس‌تر، قابل قبول‌تر و ارزان‌تر باشد تعداد بیشتری از جوانان آسیب‌پذیر را آلوده می‌سازد. ایالات متحده آمریکا به دنبال کردن این موضوع در نشست‌های مختلف چندجانبه از جمله سمینار کاهش تقاضای ایالات متحده و اتحادیه اروپا، که به تعهد طرفین در تبادل عقاید و تجربیات در زمینه مبارزه با مصرف مواد مخدر و اعتیاد انجامیده است و نشست‌های مهم دیگری همچون جلسات مرکز اروپایی نظارت بر موادمخدر و اعتیاد، ادامه خواهد داد.